



مکتب تکفیر  
و فرقه گرایی در  
گفت و شنود با  
آیت الله شیخ  
محمد مهدی  
آصفی



## هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد  
... همه ما از دشمنان بیرون کنیم که دعوائی ما برای  
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم...  
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می کنند همه  
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

سال سی و چهارم • شماره ۱۰ • شماره مسلسل ۱۴۵۷ • نیمه اول شهریور ماه ۱۳۹۲ • قیمت: ۵۰۰ تومان



آیت الله اراکی:

امام موسی صدر  
یکی از بنیانگذاران  
جریان احیاء  
اسلامی هستند

صفحه ۷



استاد خسرو شاهی:

مبارک یک کشور  
ورشکسته از خود به  
یادگار گذاشت

صفحه ۲



رفتارهای یک  
روحانی متفاوت  
از زبان دختر امام  
موسی صدر

صفحه ۶



سیره امام صادق (ع)  
تقریب و تقویت  
زیرساخت‌های عاطفی  
در مناسبات امت  
اسلام بود

صفحه ۴



دکتر نهان‌دیان مطرح کرد:

ناکامی در نیل به  
نظام بانکداری  
اسلامی پس از سه  
دهه فعالیت

صفحه ۵



معرفی ۴ کتاب  
جدید درباره بیداری  
اسلامی و حرکت‌های  
اسلامی معاصر

صفحه ۳

## اشعار استاد مجاهدی در مدح حضرت فاطمه معصومه (س)

اشعار زیر از استاد محمدعلی مجاهدی درباره حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به نقل از کتاب تجلی کوثر در حضرت فاطمه معصومه (س) می باشد که با هم می خوانیم:

هر کس که با جلال تو عهدی جمیل بست  
پیوسته دل به ذکر خوش یا جلیل بست  
هر زائری که پای ضریح دخیل بست  
بال دعا به بال و پر جبریل بست  
اینجا فرشتگان خدا بال می زنند  
ای آن که نیست از تو کسی سرفرازتر  
مهر تو را به نامه اعمال می زنند  
خوش خوتر و کریم تر و چارسازتر  
نشینده ایم از تو در خانه بازتر  
شرمنده ایم از تو و مهمان نوازیت

ای شهره زمین و زمان چاره سازیت  
اینجا فروغ عشق و صفا موج می زند  
نور خدا به صحن و سرا موج می زند  
اینجا که طور جلوه و سینای ایزدی است  
از هر کرانه، نور خدا موج می زند  
اینجا مطاف اهل زمین است و آسمان  
وزشهر پر فرشته فضا موج می زند  
لیک از زبان اجابت توان شنید

در این فضا که نور دعا موج می زند  
اینجا که رشک هشت بهشت است و هفت چرخ  
از شش جهت فروغ بلا موج می زند  
از جلوه جلال تو ای مظهر کمال  
نور صفا در آینه ها موج می زند  
در کوی تو که ساحل امن است و عافیت  
دریای بیکران صفا موج می زند  
ای کعبه امید، که در بارگاه تو  
نور امید در همه جا موج می زند  
دستی به دستگیری دلها دراز کن  
این عقده ها زکار دل خسته باز کن

چون آفتاب مهر تو تابنده می شود  
حاتم ز جود خویش سرافکنده می شود  
تنها نه ماه، مهر تو را بنده می شود  
خورشید هم زمهر تو شرمنده می شود  
برگرد تو چون هفت ملک می کند طواف  
اینجا که جبریل بود گرم اعتکاف  
دل نیست هر دلی که تو را پای بند نیست  
نامی که از تو جلوه ندارد بلند نیست  
شعری که از تو دم نزد دل پسند نیست  
طبع مرا به غیر تو شیرازه بند نیست  
چون دعبل و کمیت خوشا محترم شدن  
در پرتو عنایت تو محتشم شدن

دیدید چه دل پذیر بود آستانه ات  
هر دم گرفته است دل ما بهانه ات  
دل ها روانه است زهر سو به خانه ات  
امید ماست بر کرم بی کرانه ات  
خاتون هر دو کون قم از تو زیانزد است  
شهری که آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است  
هر ناله ای که عطر دعای حبیب داشت  
بوی خوش شکوفه «ام من یجیب» داشت  
وان دل که از شمیم خوش تو نصیب داشت  
بوی خوش شکوفه گل های سیب داشت  
پیچیده در فضای حرم عطر تربنت  
خوش بو تر از شکوفه گل ها محبت

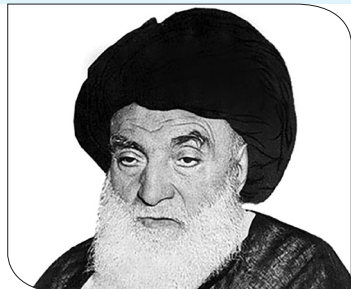
## آیت الله العظمی بروجردی پیش از در وحدت و تقریب مذاهب

که موجب اعجاب نامبرده گردید و در مرحله، دارالافتا مصر - وابسته به الازهر - از مبانی فقهی شیعه در صدور فتوا استفاده کردند. چاپ کتاب «المختصر النافع» محقق حلی و خلاصه «شرائع الاسلام» و بعد تفسیر «مجمع البیان» در قاهره با همکاری شیخ احمد حسن الباقوری، وزیر اوقاف مصر که قبلاً از اعضای مکتب الارشاد اخوان المسلمین بود، گامی دیگر در همین جهت بود که بی تردید در تغییر روش علمای الازهر و خوش بینی آنان نسبت به شیعه، نقش مؤثری داشت.

آیت الله واعظزاده خراسانی از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی می نویسد: در تألیف کتاب «جامع الاحادیث الفقهیه» که زیر نظر مستقیم آیت الله بروجردی تنظیم می شد و تاکنون چندین بار چاپ شده است، ایشان دستور داده بود که در ذیل هر باب فقهی و نقل هر حدیث از ائمه هدی، روایات اهل سنت نیز نقل شود تا ضمن آشنایی طلاب ما، برادران سنی هم آگاه شوند که چه تعداد حدیث از طریق ائمه ما و آنها نقل شده و این گامی عملی برای تقریب مذاهب اسلامی است.

ایشان برای جلوگیری از گسترش دامنه اختلافات اجازه نمی داد که به مقدسات اهل سنت اهانتی روا بشود و حتی آن را حرام می دانست. آیت الله واعظزاده خراسانی می گوید: «روزی در جلسه تنظیم کتاب حدیث، آیت الله بروجردی حضور یافت و با تأسف بیان کرد: کسی آمده کتابی نوشته و به خلفا اهانت کرده و نام مرا هم در آغاز کتاب خود آورده است. وقتی از این امر مطلع شدم، دستور دادم که تمام نسخ کتاب را جمع آوری کنند و تا آن سطور حذف نشود، اجازه نشر نیابد. مادر چه زمانی زندگی می کنیم؟ این حرفها جز ضرر و ایجاد عداوت چه فایده ای دارد؟»

ادامه در صفحه ۴



آنها، استفاده لازم به عمل آید.

اصولاً با توجه به تلمذ بعضی از ائمه اربعه اهل سنت در محضر ائمه هدی علیهم السلام و شرکت و حضور علما و طلاب شیعه و سنی، در محافل درسی یکدیگر این سنت حسنه رجوع به فتاوی فقهای طرفین از قدیم - از عصر علمی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) تا عصر شهید ثانی و پس از آن - ادامه داشت، ولی متأسفانه به علت دخالت بعضی از حاکمیت ها، در یکی دو قرن اخیر به کنار گذاشته شده بود که با ابتکار آیت الله بروجردی و روش عملی تدریسی ایشان دوباره مرسوم گردید.

آیت الله بروجردی به این نکته اشاره می نمودند که فقهای قدیم شیعه (مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و...) همواره به این روش عمل می کردند و آن را به سود جهان اسلام و وحدت مسلمانان و نزدیکی علمای فریقین می دانستند. ایشان برای تکمیل این روش و گسترش همه جانبه اش، بر این باور بودند که باید کتب فقهی شیعه بین علمای اهل سنت توزیع شود تا آنها هم از دامنه وسیع فقه شیعی آگاه شوند و گامی مثبت در راه ایجاد وحدت و تقریب برداشته شود. به همین منظور کتاب «المبسوط» شیخ طوسی را توسط علامه محمدتقی قمی برای شیخ عبدالمجید سلیم (از شیوخ الازهر) فرستادند

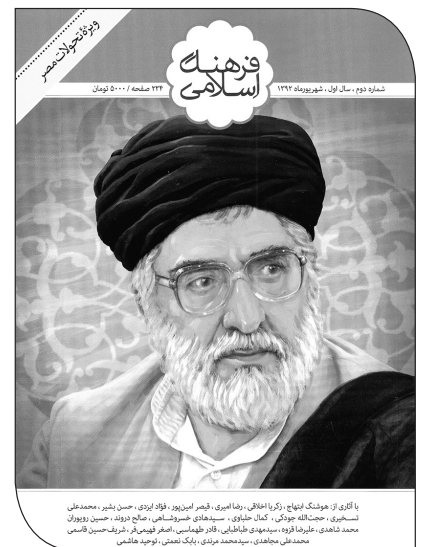
مرحوم آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی (فروردین ۱۲۵۴ - فروردین ۱۳۴۰ هـ) پس از دریافت درجه اجتهاد از مراجع اصفهان و فراگیری علوم معقول، به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردید و از سال ۱۳۲۳ هـ به قم رفت و مرجعیت جهان تشیع و مدیریت حوزه علمیه را پذیرفت.

آیت الله العظمی بروجردی که پس از رحلت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به مرجعیت تام رسید، از فقهای نامداری بود که علاوه بر «فقه» در علوم دیگر از جمله علم الحدیث و رجال، شخصیتی برجسته و بی نظیر به شمار می رفت و در این میدان، تسلط کاملی بر حدیث و فقه اهل سنت هم داشت. ایشان این رشته را در «مکتب اصفهان» و سپس «مکتب نجف» در محضر استاد برجسته آن دوران فرا گرفته بود و به دلیل همین احاطه بر علوم و فقه مذاهب، در مسائل خلاقی فقهی، برای «فقه مقارن» ارزش ویژه ای قائل بود و در عمل، در حوزه تدریس خود در هر مسئله مهم خلاقی، اهتمام خاصی به بررسی ادله مذاهب دیگر داشت و شاید در همین راستا به تصحیح و تجدید چاپ کتاب «الخلافا» شیخ طوسی اقدام نمود و حتی در بعضی از اوقات، این کتاب را همراه خود به حلقه درس فقهش می آورد و با استناد به آن کتاب و نظرات شیخ طوسی، فضایی را با این مکتب آشنا می ساخت و بدین وسیله موجب می شد که آن مجتهدان آینده دنیای تشیع، با کتابها و آرای فقهی مذاهب اربعه آشنا تر شوند؛ چون عقیده داشتند که فقه یک علم مشترک بین مذاهب اسلامی است که با هم اشتراکات و پیوندهای زیادی دارند و باید از جنبه های مثبت آن به ویژه در «مسائل مستحدثه» و استنباط احکام

ماهنامه وزین و گرانسنگ «فرهنگ اسلامی» مدت دو ماه است که به کاروان مطبوعات ارزنده کشور پیوسته است. این مجله شامل: گزارش‌ها، مقالات و تحلیل‌های متعددی است که خواننده را با مسائل روز و مهم دنیای اسلام آشنا می‌سازد. مجله در هر شماره علاوه بر گفتگوهای گوناگون، یک مصاحبه اختصاصی نیز با شخصیت‌های معروف دارد که در شماره اول آن، گفتگو با آیت الله تسخیری درج شده بود و در شماره دوم که ویژه بیداری اسلامی و تحولات مصر است مصاحبه ای با استاد سید هادی خسروشاهی را منتشر ساخته که متن آن برای استفاده علاقمندان در این شماره از «بعثت» درج می‌شود.

موفقیت مسئولان مجله بویژه جناب آقای علی اکبر اشعری (مدیر مسئول) جناب آقای محمد حسن زورق (سرمدیر) و دیگر همکاران آن را از خدای بزرگ خواستاریم. «بعثت»

\*\*\*



از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید، تشکر می‌کنم. بیداری اسلامی قبل از اینکه یک تحول سیاسی باشد، نوعی برانگیختگی درونی به همراه تحول فکری و فرهنگی است. در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی، گذشته از ایران، مصر یکی از کانون‌های اصلی فکر و اندیشه اسلامی بوده است. به ویژه، جنبش اخوان المسلمین که در سال ۱۹۲۸ میلادی در مصر، توسط شهید حسن البنا تأسیس شد، در این رهگذر قابل یادآوری است. شما ریشه‌های بیداری اسلامی را در مصر و نیز در شمال آفریقا در کجا می‌بینید و آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ حرکت آزادی خواهانه مردم شمال آفریقا و بیداری اسلامی در کشورهای آن، سابقه دیرینه و ریشه استوار و تاریخی دارد. مبارزه مردم الجزایر، تونس، مصر و... از سالیان دراز در دهه‌های پیش آغاز شده و به ثمر رسیده بود. ولی پس از استقلال آن کشورها، متأسفانه گروه‌های سیاسی و عناصر فرصت طلب مناصب حکومتی را اشغال کردند و قدرت را در دست گرفتند که مورد قبول و رضایت توده‌های مردم مسلمان نبود. بر همین اساس، مبارزه مردم ضد رژیم‌های غیرمشروع و طاغوتی همچنان ادامه یافت و در قیام‌های مردمی اخیر، اغلب با پیروزی همراه بود. مصر، تونس و لیبی از جمله این موارد است. اما ریشه مشکلات مردم در این کشورها هنوز برطرف نشده، حوادث گوناگونی در انتظار آنهاست و توطئه‌های دشمنان آرامش و امنیت آنان را در معرض خطر جدی قرار داده است.

در جریان بیداری اسلامی در شمال آفریقا، زمامدارانی سقوط کردند که از آن جمله می‌توان به بن علی و مبارک اشاره کرد. محمد مُرسی از اخوان المسلمین در مصر روی کار

آمد، ولی نتوانست کاری از پیش ببرد. مشکل کار او در کجا بود؟

عدم موفقیت حکومت اخوان در مصر علل گوناگون و متعددی دارد، اما بی‌تجربگی آقای محمد مُرسی در اداره حکومت را باید عامل اصلی آن دانست. البته به نظر من قبول مسئولیت کلان پس از سقوط مبارک، اصولاً صحیح و منطقی نبود. زیرا مبارک یک کشور از لحاظ اقتصادی ورشکسته، از لحاظ سیاسی متشتت و از لحاظ اجتماعی ناهماهنگ را از خود به یادگار گذاشته بود و برطرف کردن مشکلات آن، نیاز به توان زیاد و تلاش مضاعف داشت. به ویژه از لحاظ اقتصادی، مسئله معیشتی مردم در اولویت اصلاح قرار داشت و متأسفانه هیچ نوع کمک، درآمد خاص یا بودجه کافی هم برای جبران خسارت‌های موجود در اختیار نبود. به همین دلیل، مردم فقیر و گرسنه با تحریک دشمنان یا عناصر و سازمان‌های سیاسی که دولت آقای مُرسی در اداره امور کشور سهمی به آنها نداده بود، به خیابان‌ها آمدند و ارتش هم که گویا مترصد فرصتی برای کودتا بود، به میدان آمد و دولت قانونی و منتخب مردم را برکنار نمود.

برخی معتقدند که محمد مُرسی و اصولاً اخوان المسلمین امروز از مسیر شهید حسن البنا منحرف شده‌اند. شهید حسن البنا به تقریب مذاهب اسلامی معتقد بود و به شیعیان احترام می‌گذاشت، ولی محمد مُرسی بیشتر به سیاست آمریکایی - اسرائیلی که عربستان سعودی آن را عملیاتی می‌کند، تمایل نشان داد. نظر شما در این باره چیست؟

نمی‌توان گفت که اخوان المسلمین به طور مطلق، از مسیر شهید شیخ حسن البنا دور شده است، ولی با توجه به عملکرد بعضی از رهبران کنونی اخوان مصر (مثلاً مراودات آنان با آمریکا و ارتجاع عرب) باید پذیرفت که آنان مشی سیاسی درستی را در پیش نگرفته و در مسیر هماهنگی با سیاست غرب و آل سعود قرار گرفته‌اند که به موقعیت اجتماعی آنها صدمه زده است.

این اقدامات که نشانه‌ای دیگر از بی‌تجربگی و ناپختگی سیاسی بود، نشان داد که اخوان فریب ظاهرسازی و وعده‌های دروغین غرب و شیوخ عرب را خورده‌اند. البته دیدیم که نخستین کسی که کودتای ژنرال‌ها را تبریک گفت، شاه ریاض بود و به دنبال او، «اذناب خلیجی» به میدان آمدند و طی ۲ روز، به بهانه‌های مختلف، بیش از ۱۲ میلیارد دلار به خزانه حکومت کودتا با جیب ژنرال‌ها سرازیر کردند.

در مورد روابط با ایران و شیعیان نیز ما شاهد یک روش غیرمنطقی و غیرعقلانی بودیم که هرگز انتظار آن را نداشتیم. البته اتخاذ این روش بی‌تردید برای جلب رضایت آمریکا و ارتجاع عرب و سلفی‌های تندرو در داخل مصر بود که متأسفانه نتایج بسیار بد و منفی در پی داشت و عواقب آن تا مدت‌ها ادامه خواهد یافت. البته می‌دانیم که شهید شیخ حسن البنا خود جزء مؤسسين «جمعیت التقرب بین المذاهب» بود که بعدها به دارالتقرب معروف شد. مرشدهای بعدی هم که من با آنها ملاقات یا مکاتبه داشتم، مانند شیخ عمر عبدالفتاح تلمسانی، شیخ حامد ابوالنصر، شیخ مصطفی مشهور، شیخ محمد مأمون الهضیبی و شیخ محمد مهدی عاکف همچنان به تقریب بین مذاهب پای بند بودند.

البته اغلب اعضای مکتب ارشاد و نیروهای برجسته کنونی اخوان نیز به تقریب و روابط حسنه با ایران و شیعه علاقمند هستند، ولی شرایط تحمیل شده بر دولت مُرسی توسط آمریکا و شیوخ عرب و عوامل داخلی آنها - مانند سلفی‌های حزب النور - مانع از رشد و توسعه این روابط گردید.

نقش عوامل خارجی (مشخصاً آمریکا و اسرائیل) در تحولات مصر چیست؟ ارتش مصر تا چه اندازه بر اساس نظرات آمریکا عمل کرده است؟

عوامل خارجی به طور مستقیم یا توسط عناصر داخلی وابسته به خود، در ایجاد بحران و اسقاط دولت

استاد خسروشاهی:

## مبارک یک کشور ورشکسته از خود به یادگار گذاشت

نصاری از تو راضی نخواهند شد، مگر آنکه از راه و روش آنان پیروی کنی. این تعبیر قرآن مجید عمق مسئله را روشن می‌سازد. باید به فرهیختگان و علمای مذاهب اسلامی هشدار داده شود که در دام این توطئه و فتنه گرفتار نشوند که «إِنَّ الْفِتْنَةَ نَافِئَةٌ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَقْضُهَا». متأسفانه بعضی از برادران اهل سنت در این دام افتادند و با هجمه به شیعه و ایران، به گسترش این فتنه در بلاد اسلامی دامن زدند که آثار فاجعه بار آن را در همه کشورهای اسلامی می‌توان مشاهده نمود. تخریب مقابر اولیا، مراکز مربوط به اهل بیت(ع) و صحابه و صالحان، همزمان با قتل عام شیعیان، نمونه بارز این آثار است.

شیعه کشتی در مرکز و مسلمان کشتی در پیرامون جهان اسلام ادامه دارد. در بحرین، عربستان، سوریه، لبنان و پاکستان، شیعیان مورد حملات تروریستی قرار می‌گیرند و از طرف دیگر در بوسنی - هرزگوین و میانمار، مسلمانان با حملات تروریستی و قتل عام مواجه‌اند. آیا این دو نوع نسل‌کشی دو روی یک سکه و با هم در ارتباط هستند؟

قتل عام مردم مسلمان در بوسنی و هرزگوین ناشی از همان بغض و عداوت «یهود و مسیحیت صهیونیستی» نسبت به مسلمانان است. البته شرایط زمان و مکان در پیدایش این جنایات ضد بشری، و در چگونگی آن نقش و تأثیر دارد، ولی هدف کلی روشن است. امروز قتل عام مسلمانان شیعه در بلاد مختلف عربی و غیر عربی، درواقع استمرار اجرای همان توطئه ضد بشری دشمن است. ولی متأسفانه این بار، عاملان این جنایات مسلمان نمایانی هستند که خود را «سلفی» می‌نامند، ولی از «سلف صالح» هیچ ارثی نبرده‌اند. به هرحال، هشیاری و بیداری علمای فرق و مذاهب اسلامی ضرور این مرحله بحرانی را «یاذن الله» دفع خواهد کرد.

نقش نصاری‌ها، ملی‌گراها و سوسیالیست‌ها را در مصر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا بین آنها و اخوان المسلمین در مصر می‌تواند نوعی همکاری به وجود آید؟

نصاری‌ها، ملی‌گراها، چپ‌ها و سکولارها در مصر پایگاهی اجتماعی لازم را ندارند. در آخرین انتخابات دوره حسنی مبارک که من در مصر بودم، همه سازمان‌های اپوزیسیون در مجموع توانستند ۱۵ نفر را به پارلمان بفرستند که فقط یک نفر آنان «ناصری» بود. حزب قدیمی «الوفد» هم نتوانست بیش از چند نفر را به مجلس بفرستد، ولی اخوان المسلمین، به رغم اینکه «حزب منحل» نامیده می‌شد، توانست ۸۰ نفر را به مجلس بفرستد.

پس از انقلاب جوانان، این نیروها در عمل حاضر به همکاری با اخوان المسلمین نشدند و به همان کینه و دشمنی قدیمی خود ادامه دادند. متأسفانه پس از پیروزی اخوان در انتخابات ریاست جمهوری، این بار آقای مُرسی حاضر به همکاری عملی و واقعی با آنها نشد و نتیجه آن شد که اکنون می‌بینید.

البته نباید فراموش کرد که سرازیر شدن میلیاردها دلار نفتی از سوی آل سعود و آل قطر و آل کویت و آل امارات و دیگر محافل ارتجاعی عرب در ایجاد بحران علیه دولت اخوان، نقش اساسی و عمده داشت. پیش از انتخابات هم اگر دلارهای نفتی وهابی‌ان و آل سعود نبود، بی‌تردید، سلفی‌های تکفیری نمی‌توانستند آرای مردم نجیب و مسلمان مصر را که در کل «محب اهل بیت(ع)» هستند به خود اختصاص دهند. سلفی‌ها با ۳۸۰ شعبه مراکز خدماتی، به مشکلات معیشتی مردم فقیر مصر حتی در دورترین نقاط کشور رسیدگی کردند و توانستند ۲۵ درصد آرا را بدست آورند. اکنون نیز همین طرح و برنامه ادامه دارد.

دیدیم که رهبر حزب سلفی «النور»، در «کمیتة کودتاچیان» پشت سر جناب شیخ زهر نشسته بود و هم اکنون نیز با آنها همکاری می‌کند. به هرحال، اگر بحران کنونی ادامه یابد، بسیار بعید به نظر می‌رسد که اخوان با آن گروه‌ها به توافق و ائتلاف برسد. بلکه به نظر می‌رسد که دوران فشار و اختناق جدیدی در رابطه با اخوان المسلمین در مصر و سپس تونس و... آغاز شده است.

آقای مُرسی نقش اصلی را داشتند. بعضی از ژنرال‌های باقیمانده از دوران حسنی مبارک که همچنان قدرت و فرماندهی ارتش را در اختیار دارند، زیر نظر آمریکا کار می‌کنند که در میان آنها، همین ژنرال عبدالفتاح السیسی برجسته‌تر است. او در مراکز دانشگاهی نظامی آمریکا درس خوانده و مدت‌ها نزد آل سعود مأمور به خدمت بود. اقدامات و اعترافات بعدی محافل آمریکایی و مزدوران وابسته نشان می‌دهد که متأسفانه کسانی در فرماندهی ارتش قرار گرفته‌اند که به بیعت با آقای مُرسی و سوگند خود پایبند و وفادار نماندند.

پدیده جوانان انقلابی را در کشورهای عربی نظیر مصر، تونس و یمن چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آنها به مرحله‌ای از تحول فکری و فرهنگی رسیده‌اند که به خودآگاهی اسلامی دست یابند و هویت اسلامی واقعی خود را کشف کنند؟

درباره جوانان انقلابی کشورهای عربی، نمی‌توان با یک دید کلی و واحد داوری کرد. در بعضی کشورها مانند مصر و تونس، جوانان بسیاری از روی فهم و خودآگاهی اسلامی وارد میدان مبارزه شده‌اند. در بعضی دیگر از کشورها، مسائل دیگر، به ویژه فقر و گرسنگی وحشتناک و بسیار آزاردهنده آنان را به میدان آورده است. البته این انگیزه مانع از نمود انگیزه‌های اسلامی در اغلب آنها نمی‌شود، ولی در کل، مسائل معیشتی را می‌توان از انگیزه‌های جدی آنان تلقی کرد. من جمله عجیبی در نهج البلاغه دیده‌ام که متأسفانه تاکنون ندیده‌ام شارحان نهج البلاغه یا علاقه مندان به راه و روش امام علی(ع) به شرح و بسط آن بپردازند. آن جمله را در اینجا نقل می‌کنم، به امید آنکه دوستان فاضل به شرح آن بپردازند. حضرت علی(ع) خطاب به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَدٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹). اجازه دهید ترجمه آن را به «نهج البلاغه منظوم» بسپارم:

سخت می‌تویم که گردی مستمند

فقر بر پایت زند زنجیر و بند  
زین بلا بر ایزدت آور پناه  
چون که دین را می‌کند خوار و تباه  
می‌کند آشفته تدبیر و خرد

دشمنی و کینه توزی آورد به هر حال این جمله نشان می‌دهد که «فقر» در زندگی، مردم را با چه مشکلات و مصائبی روبه رو می‌سازد. فرموده‌اند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا».

پیش از پیدایش بیداری اسلامی، به نظر می‌رسید هرگونه حرکت اسلامی اگر در جهان اسلام رخ دهد، سبب وحدت مسلمانان در برابر دشمنان آنها خواهد شد، ولی امروز می‌بینیم غرب می‌خواهد از ظرفیت اکثریت خاموش جهان اسلام، با کمک تسلیحاتی و تبلیغاتی خود، علیه اقلیت آگاه و مبارز آن که عمدتاً از شیعیان هستند، استفاده کند و جنگ سنی علیه شیعه به راه اندازد. آیا با چنین گمانه زنی‌ای موافق هستید؟

دشمنان اسلام پس از شناخت و ارزیابی دقیق آثار و نتایج بیداری اسلامی و وحدت مسلمانان به برنامه ریزی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با زور سرنیزه و جنگ کلاسیک نمی‌توان بر وحدت مسلمانان غلبه کرد. این بود که به مسئله حساس اختلاف بین مذاهب پرداختند. در اسفند ماه سال قبل (۱۳۹۱) کنفرانسی در شهر هرتزلیا در سرزمین اشغالی فلسطین برگزار شد که برنامه ریزان و استراتژیست‌های اروپایی، آمریکایی و صهیونیستی در آن شرکت داشتند. در جمع بندی نهایی آن کنفرانس آمده است که ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی تنها راه برای جلوگیری از خطر وحدت همه جانبه مسلمانان و بستر اساسی برای حفظ امنیت اسرائیل است.

بنابراین، تردیدی نیست که ایجاد این فتنه نقشه دشمنان شناخته شده اسلام است: (وَلَنْ تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ)؛ هرگز یهود و

(خواهران مسلمان) (به همراه پیوست «روزهایی از زندگی من»)، اخوان المسلمین و مسأله فلسطین و مفتی قدس، درباره کتاب و مولف دین در دولت در اندیشه حسن البناء. در انتهای کتاب هم تصاویر و اسنادی از اخوان المسلمین در ۱۸ صفحه آمده است.

در بخش اول، جایگاه حسن البناء در جریان های اندیشه اسلامی معاصر، روش حسن البناء در برپایی نهضت اسلامی، برنامه های مراحل نهضت، روش البناء در تعامل با حکومت های موجود، حسن البناء و روش های تغییر و تحول، جایگاه زن در اندیشه حسن البناء، حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی، فلسطین در اندیشه و عمل حسن البناء، حسن البناء و ابوال علی ودودی، ابوال علی مودودی و سید قطب و... می آید.

بخش دوم، ترجمه مقاله ای از شیخ الهضیبی، مرشد دوم اخوان المسلمین پس از حسن البناء است که استاد آن را با عنوان «قرآن، قانون اساسی ما» در سال ۱۳۳۲ در سالنامه «مکتب تشیع» در قم منتشر ساخت. بخش سوم هم ترجمه نامه شیخ محمد حامد ابوالنصر (سومین مرشد عام اخوان المسلمین) در فوریه ۱۹۸۶ خطاب به حسنی مبارک، به عنوان مسئول رسمی کشور مصر است که تحت عنوان «دیدگاه های اخوان المسلمین درباره مسائل داخلی و خارجی مصر» در بخش سوم می آید.

بخش چهارم، نوشتاری از استاد درباره «تاریخ و اندیشه جمعیت اخوان المسلمین» است که برای نخستین بار به عنوان مقدمه ای بر کتاب «دین و دولت در اندیشه حسن البناء» ترجمه حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی منتشر شد. در این نوشتار اشاره ای به تاریخچه جمعیت اخوان المسلمین، اندیشه حسن البناء و سید قطب و نحوه تعامل اخوان با دولت و قدرت و آینده اخوان المسلمین می آید.

بخش پنجم هم نوشتاری از استاد درباره اهداف و شاخصه های اصلی حرکت اخوان المسلمین است. بخش ششم هم به اخوان المسلمین در دوران جمهوری مصر (۲۰۰۷ - ۱۹۵۲) می پردازد. در این فصل به موضوعاتی چون اخوان در دوره جمال عبدالناصر، سید قطب و اندیشه هایش، اخوان المسلمین و انور سادات، اخوان المسلمین و حسنی مبارک، اخوان المسلمین و قضیه فلسطین، مناسبات اخوان المسلمین و عربستان سعودی، اخوان المسلمین و آمریکا، مناسبات ایران و اخوان المسلمین، مواضع اخوان المسلمین درباره جنگ تحمیلی با عراق و جنگ دوم خلیج فارس و آزادی کویت و آینده اخوان المسلمین می آید.

بخش هفتم هم نوشتاری درباره «اخوان المسلمین و احزاب مصر» است که به هنگام اقامت استاد خسروشاهی در قاهره در سال ۲۰۰۱ م تهیه و تنظیم شده و در روزنامه اطلاعات منتشر شده است.

بخش هشتم هم نوشتاری درباره «رهبران اخوان المسلمین» است که به عنوان موخره بر کتاب دین و دولت در اندیشه حسن البناء ترجمه آقای محمدجواد حجتی کرمانی منتشر شده است. این نوشتار به زندگی و اندیشه های شیخ حسن البناء، حسن الهضیبی، شیخ عمر التلمسانی، محمد حامد ابوالنصر، شیخ مصطفی مشهور، مأمون الهضیبی، محمد مهدی عاکف، سید قطب و... می پردازد.

در بخش نهم گفتگوی استاد خسروشاهی با حسین الشافعی، معاون اول جمال عبدالناصر است. در بخش دهم هم نوشتاری زینب الغزالی و جمعیت اخوات المسلمات (خواهران مسلمان) می آید. در ادامه این بخش، روزهایی از زندگی من به قلم زینب الغزالی می آید. در بخش یازدهم اخوان المسلمین و مسأله فلسطین و مفتی قدس می آید و در آخرین بخش هم نوشتار آقای خسروشاهی درباره کتاب و مولف دین و دولت در اندیشه حسن البناء می آید.

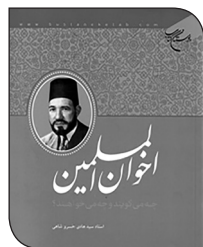
چاپ اول این کتاب در ۴۰۰ صفحه، قطع وزیری، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۳۰۰۰ تومان، به جامعه فرهنگی و علمی کشور عرضه شده است.

## معرفی ۴ کتاب جدید درباره بیداری اسلامی و حرکت های اسلامی معاصر

که نخستین بار، بهمن ماه ۱۳۸۹ در روزنامه اطلاعات منتشر شد)، ۲. بیانیه تأسیس حرکت الاتجاه الاسلامی (این دسته از اسلام گرایان، ابتدا تحت عنوان «الاتجاه الاسلامی» (گرایش اسلامی) در تونس فعالیت داشتند و سپس به نام «حرکت النهضة» معروف شد)، ۳. رهبری حرکت اسلامی در دادگاه رژیم تونس (که تاریخ پیدایش و گسترش نهضت و اهداف و دیدگاه سیاسی - اجتماعی رهبری آن می آید)، ۴. راشد الغنوشی در دادگاه (که چگونگی بازداشت و محاکمه شیخ راشد الغنوشی و کادر مرکزی توسط رژیم ژنرال بن علی و اعدام و تبعید و زندانی شدن رهبران و کادر مرکزی می آید)، ۵. تاریخ پیدایش و دیدگاه های حرکت النهضة در گفتگو با شیخ راشد الغنوشی (که ترجمه گفتگوی دکتر بشیر موسی نافع با الغنوشی است و نخستین بار در شماره ۴ فصلنامه «قراءات سیاسی» در سال ۱۹۹۱م منتشر شد و به همت استاد خسروشاهی به زبان فارسی ترجمه شده است. راشد الغنوشی در این گفتگو به حقایق درباره تاریخ جنبش و آغاز کوشش فرهنگی و مبارزه سیاسی، سپس سرکوب نهضت توسط حاکمان ستمگر تونس با توسل به اتهام های واهی از جمله توطئه «کودتا» علیه رژیم اشاره می کند)، ۶. راه حل دموکراتیک برای جنبش های اسلامی (که ترجمه کامل سخنرانی شیخ راشد الغنوشی در دانشگاه خارطوم سودان است که برای نخستین بار در ماهنامه «مهرنامه» منتشر شد)، ۷. در بخش اول پیوست هم مصاحبه ای درباره حوادث اخیر تونس است که در شماره ۶۵ (بهمن ۸۹) منتشر شد و سپس نامه ای به مدیرمسئول روزنامه کیهان.

در انتها هم اسناد و مدارک مربوط به مطالب مطرح شده در متن کتاب و گفتگوها و حوادث درون سازمانی حرکت النهضة می آید. چاپ اول این کتاب در ۲۴۰ صفحه، قطع رقی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۵۰۰ تومان به جامعه فرهنگی و علمی کشور عرضه شد.

### کتاب «اخوان المسلمین چه می گویند و چه می خواهند؟»



کتاب «اخوان المسلمین چه می گویند و چه می خواهند؟» نوشته استاد سید هادی خسروشاهی از سوی مؤسسه بوستان کتاب قم منتشر شده است. وی از فعالان و پژوهشگران برجسته

نهضت های اسلامی معاصر است که بیش از نیم قرن با ادبیات و آثار فکری اخوان المسلمین آشنا و مرتبط بوده است و ضمن ارتباط با رهبران فکری این جریان و ترجمه برخی آثار آن ها، چندین کتاب ارزشمند در این موضوع را نیز ترجمه و منتشر کرده است.

کتاب «اخوان المسلمین چه می گویند و چه می خواهند؟» مجموعه مقالات و تحلیل هایی است که استاد در سالیان مختلف درباره اندیشه، اهداف، رهبری و تاریخ اخوان المسلمین و چگونگی هدف اصلی رهبری شهید حسن البناء و اخوان المسلمین نگاشته یا ترجمه کرده است و بنا به مناسبت هایی در نشریات مختلف منتشر شده است. استاد خسروشاهی که مدتی رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در مصر بود، این فرصت و امکان را یافت که اطلاعات مستند و دقیق تر و وسیع تری را از دوران تشکیلات جمعیت و چگونگی سازماندهی و اداره آن در طول ۸۰ سال که از تأسیس آن می گذرد، به دست آورده و بخش هایی از آن را در این کتاب عرضه کرده است.

این کتاب در دوازده بخش تشکیل شده است: نگاهی به میراث فکری حسن البناء، قرآن قانون اساسی ما، دیدگاه های اخوان المسلمین درباره مسائل داخلی و خارجی مصر، اشاره ای به تاریخچه جمعیت اخوان المسلمین، اهداف و برنامه های اصلی اخوان المسلمین، اخوان المسلمین در دوران جمهوری مصر، اخوان المسلمین و احزاب مصر، رهبری اخوان المسلمین، گفتگوی تاریخی با حسین الشافعی معاون اول جمال عبدالناصر، زینب الغزالی و جمعیت اخوات المسلمات

حرکت های اسلامی معاصر این چنین آشفته و مبهم نبود. این کتاب از شش بخش تشکیل شده است: فصل اول نگاهی به تاریخ روابط حرکت های اسلامی معاصر با ایران و انقلاب اسلامی دارد. در این فصل، پیشینه روابط ایران و حرکت های اسلامی معاصر و اخوان المسلمین مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. تقریب بین مذاهب اسلامی، روابط اخوان با رهبری اسلامی ایران، روابط پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سردی روابط میان اخوان و انقلاب اسلامی ایران، جنگ دوم خلیج فارس و تأثیر آن بر روابط ایران و اخوان و موقعیت اخوان المسلمین مصر می آید.

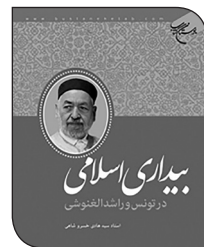
در فصل دوم استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران درباره حرکت های اسلامی می آید. این فصل تحلیلی است که استاد خسروشاهی در شعبان ۱۴۱۶ق برای دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه نوشته است. در فصل سوم، چند پیشنهاد کلی برای همکاری و تعاون بیشتر با حرکت های اسلامی معاصر می آید. در فصل چهارم، گفتگوی صریح استاد با رهبر اخوان المسلمین مصر، شیخ عمر التلمسانی می آید که درباره موضوعات مختلف مرتبط به دیدگاه اخوان المسلمین به انقلاب اسلامی است که مطالعه آن بسیار جالب و قابل تأمل است. این گفتگو در سال ۱۴۰۵/۱۳۸۵م در لوگانونی سوئیس انجام شده است.

فصل پنجم، به بهانه درگذشت شیخ عمر عبدالفتاح التلمسانی، مسائل ایران، انقلاب اسلامی، اوضاع مصر و... را از دیدگاه این مرشد عام اخوان المسلمین بررسی می کند. پایان بخش کتاب هم، «اخوان المسلمین و شیعه» است که ترجمه مقاله مهندس یوسف ندا (مسئول بخش بین الملل اخوان المسلمین مصر) است که برای نخستین بار در سایت «اسلام آنلاین» منتشر شده و در راستای ایجاد وحدت مسلمین، تقریب بین مذاهب اسلامی، دفاع از حق و حقیقت و روشن شدن موضع گیری رسمی اخوان المسلمین نسبت به شیعه و تشیع است.

مطالعه این کتاب ارزشمند به همه مسئولان دستگاه دیپلماسی کشور و فعالان عرصه بین الملل و فرهیختگان جامعه توصیه می شود.

چاپ اول این در ۲۲۰ صفحه، قطع رقی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۰۰۰ تومان به جامعه علمی و فرهنگی کشور عرضه شد.

### کتاب «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی»



کتاب «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی» نوشته حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی از سوی مؤسسه بوستان کتاب قم منتشر شد. به دنبال بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال

آفریقا، رژیم استبدادی ژنرال بن علی در قیام عمومی مردم مسلمان تونس سقوط کرد و نقش «حزب النهضة» (از احزاب باسابقه اسلام گرای این کشور) محوریت پیدا کرد و تلاش ها برای تحلیل و شناخت اندیشه و عملکردهای این حزب و رهبر آن «راشد الغنوشی»، دغدغه بسیاری از فرهیختگان و کارشناسان و مسئولان مربوطه قرار گرفت.

استاد خسروشاهی با «حزب النهضة» و «راشد الغنوشی» ارتباط نزدیک داشته است و پیش از این دو کتاب «انقلاب اسلامی و امام خمینی» تألیف شیخ راشد الغنوشی و «اسلام سیاسی؛ نگاهی به تاریخ و اندیشه حرکت النهضة تونس» (نوشته فرانسوا بورجا؛ پژوهشگر فرانسوی) را منتشر کرده، در ادامه این تلاش ها و تحقیقات، کتاب «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی» را منتشر ساخت.

کتاب «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی» از هفت بخش تشکیل شده است: ۱. گفتگوی درباره راشد الغنوشی و اهداف نهضت اسلامی تونس (که استاد در این گفتگو به شخصیت و اندیشه راشد الغنوشی و اهداف و سابقه روابط و آشنایی اش با الغنوشی می گوید،

مؤسسه بوستان کتاب به تازگی چهار اثر سیاسی با عنوان های «اخوان المسلمین چه می گویند و چه می خواهند؟»، «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی»، «اسلام سیاسی» و «حرکت های اسلامی معاصر» را منتشر کرده است که در ادامه به معرفی آنها می پردازیم:

(یاسر عسگری)

### کتاب «اسلام سیاسی؛ نگاهی به تاریخ و اندیشه حرکت النهضة تونس»



کتاب «اسلام سیاسی؛ نگاهی به تاریخ و اندیشه حرکت النهضة تونس» نوشته فرانسوا بورجا با ترجمه استاد سید هادی خسروشاهی از سوی مؤسسه بوستان کتاب قم منتشر شد.

حرکت های اسلامی که در این دو سال در کشورهای عربی با عنوان «بیداری اسلامی» یا «بهار عربی» در حال وقوع است، بسیاری را به کنجکاوی واداشته که ریشه این حرکت ها کجاست و احزاب و شخصیت های آن چه کسانی هستند؟ اخوان المسلمین، حزب النهضة و احزاب دیگر، چه اهداف و پیشینه ای دارند؟ و سؤال های دیگری از این قبیل.

در میان عالمان شیعی، شخصیتی که از حدود پنجاه سال پیش با علاقه و پشتکار ستودنی، با کشورهای اسلامی و تمامی رهبران مبارز آن، رابطه فعال داشته و دارد، حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی است. ایشان با پژوهش و اندیشه ورزی، اطلاعات دست اول و گسترده ای را با قلم روان در اختیار خوانندگان قرار می دهد.

این کتاب فصل پنجم از کتاب «اسلام سیاسی صوت الجنوب» [«اسلام سیاسی در جنوب»؛ قرائت جدید از حرکت های اسلامی در شمال آفریقا (یعنی مغرب عربی، تونس، الجزایر، مغرب، لیبی)] نوشته فرانسوا بورجا، نویسنده و پژوهشگر فرانسوی است. نویسنده پس از چند سال تحقیقات و مطالعات میدانی و گفتگو با شخصیت های برجسته حرکت های اسلامی در منطقه شمال آفریقا، کتابی درباره تاریخ و اندیشه و عملکرد حرکت های اسلامی معاصر در آن مناطق به زبان فرانسوی تألیف و در پاریس منتشر کرد و سپس دکتر لورین فوزی زکری، پژوهشگر مصری آن را به عربی برگرداند و با افزودن توضیحاتی و مقدمه ای از نصر حامد ابوزید آن را در قاهره به چاپ رسانید.

این کتاب دارای اطلاعات وسیع و ارزشمندی درباره پیدایی، اندیشه، رهبری و انشعاب در حزب النهضة و چگونگی مبارزات این حزب اسلامی با رژیم دیکتاتوری تونس است و با توجه به گفتگوهای مولف با رهبران و موسسان حزب النهضة و همچنین کمبود منابع فارسی در این خصوص، کتاب شامل مطالب جالب و تاریخی ارزنده است.

چاپ اول این کتاب در ۱۶۸ صفحه، قطع رقی و تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۵۰۰۰ تومان روانه بازار فرهنگ و اندیشه شده است.

### کتاب «حرکت های اسلامی معاصر؛ استراتژی نظام و مسأله شیعه و سنی»



کتاب «حرکت های اسلامی معاصر؛ استراتژی نظام و مسأله شیعه و سنی» نوشته استاد سید هادی خسروشاهی از سوی مؤسسه بوستان کتاب قم منتشر شد.

این کتاب مجموعه چند نوشتار استاد درباره حرکت های اسلامی معاصر است که حدود پانزده سال پیش، جهت اقدام مسئولان سیاست خارجی کشور در اختیار آنان قرار گرفت و متأسفانه مورد توجه و اهتمام مسئولان مربوطه وقت قرار نگرفت. نویسنده معتقد است که اگر به این طرح ها و پیشنهادات در همان روزها توجه می شد، امروز شرایط و روابط ما با

| سیاسی - اجتماعی - فرهنگی                   |
|--------------------------------------------|
| <b>۴ بهشت</b> <p>◄ شماره ۱۰</p>            |
| ◄ شماره مسلسل ۱۴۵۷                         |
| <b>تقریب</b> <p>◄ نیمه اول شهریور ۱۳۹۲</p> |
| پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com      |

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان اینکه می‌توان گفت که تقریب امام صادق(ع) از نوع تقریب عاطفزا (تقویت زیر ساخت‌های عاطفی مناسبات امت اسلامی) بوده است، گفت: تقریب با توجه به متعلق خود معنا می‌یابد. حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به این که مفهوم تقریب در سه وضعیت شرائط تباعد(دوری) حاصل از خاستگاه مذهب، شرائط عدم تباعد ولی نیازمند به تقویت مناسبات معنا پیدا می‌کند، گفت: تقریب امام صادق(ع) از نوع تقریب عاطفه‌زا(تقویت زیر ساخت‌های عاطفی مناسبات امت اسلامی) بوده است.

آقای مبلغی افزود: تقریب با توجه به متعلق آن معنا می‌یابد؛ به این صورت که بین سه مفهوم تقریب تباعدزدا بین مذاهب و مفهوم تقریب تباعدزدا بین اعضای امت اسلامی(که از خاستگاه غیر مذهب نشئت گرفته است) و تقریب عاطفه‌زا باید تفاوت قائل شویم.

وی با طرح این سؤال که آیا عملیات تقریب در قرن دوم هجری بوده و از کدام سنخ بوده است؟ اظهار داشت: حقیقت آن است که در قرن دوم هجری تباعدی بین مذاهب نبود تا نیاز به تقریب از نوع اول وجود داشته باشد. در آن زمان، مناسبات اجتماعی امت اسلامی جریانِ طبیعی و عادی داشت و حتی احتمال پیدایش تباعد مذهبی ناشی از تعدد مذاهب هم در میان نبود و به ذهن نمی‌آمد. رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی ادامه داد: در رویکرد بی پیرایه صدر اسلام، اختلاف مذهبی، اختلافی فکری تلقی می‌شد و نه بیشتر. وجود چنین رویکردی یک تلقی عام بود و همه مذاهب را در برمی‌گرفت و از آموزه‌های اسلام اخذ شده بود؛ یعنی از یک سو، اسلام چنان ایده‌ای را ارائه نکرده بود که مسلمانی بخواهد به دلیل مذهب، به اختلاف مناسباتی روی آورد و از سوی دیگر، جامعه هم در یک وضعیت طبیعی و فطری انسانی قرار داشت و از این خاستگاه، اختلاف مذهبی را مبنایی برای اختلاف فکری تلقی نمی‌کرد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی اظهار کرد: اما این سخن، به معنای آن نیست که در آن زمان پیروان هر مذهبی خود را حق نمی‌دانستند و به اندیشه «همه بر حق» (پلورالیسم) معتقد بودند؛ بلکه به این معناست که به ذهن توده مسلمان نمی‌آمد که چون مذهبی برحق است پس باید با بخشی از امت که دارای مذهب دیگری است و آن را از حیث مذهبی بر حق نمی‌بیند، اختلاف کند.

**لزوم تفکیک میان مناسبات اسلامی با حقانیت مذهبی**

استاد برجسته حوزه علمیه قم افزود: در آن زمان این ذهنیت امروزی وجود نداشت؛ آن چه بود، نوعی تفکیک

بین موضوع حقانیت مذهبی و بین مسئله ارتباطات و مناسبات اجتماعی در جامعه اسلامی بود؛ بر این مینا، هر مذهب در عین این که خود را بر حق می‌دانست، مناسبات اجتماعی در میان امت اسلامی بر چرخه روال عادی، طبیعی و فطری می‌گشت.

مبلغی بیان کرد: مشکل این است که ما (اعم از شیعه و سنی) فهم و برداشت درستی از این دوره نداریم، به همین دلیل آن عصر را دستمایه اختلاف قرار می‌دهیم و با تمسک به کلمات و ادبیاتی که در آن فضا رد و بدل شده است، مبناهای به ظاهر شرعی اختلاف در مناسبات را شکل می‌دهیم. حقیقت این است که امروزه بسیاری با تمسک ظاهری به آن آموزه‌ها، به‌اختلاف‌های مذهبی‌دامن می‌زنند. وی ادامه داد: در عصر حضرت امام صادق(ع)، اختلاف رأی و فکر وجود داشته و ثانیاً اختلاف نظر در حقانیت مذهبی هم بوده است؛ یعنی پیروان اهل بیت (ع) یا پیروان سایر مذاهب خود را بر حق می‌دانستند اما، سخن این است که در کنار این دو واقعیت، واقعیت دیگری هم وجود داشت و آن این که براساس ذهنیت طبیعی برگرفته شده از اسلام، مسلمانان اجماع داشتند بر این که اختلاف در مناسبات به بهانه اختلاف در حقانیت، امری مردود است.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: حتی به ذهن کسی هم خطور نمی کرد که باید در مناسبات اجتماعی اختلاف داشته باشند چون اختلاف در رای دارند. اختلاف در مناسبات، در یک روند تاریخی طولانی به وجود آمده و طبیعی است زمانی که اختلاف ایجاد شود، به هرچیزی از جمله اختلاف در رأی و حقانیت تمسک و تکیه می‌شود.

وی خاطر‌نشان کرد: این ذهنیت اتحادیِ اولاً؛ ریشه در فطرت پاک آدم‌های آن دوران داشت ثانیاً این رویکرد از آموزه‌های قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم(ص) گرفته شده بود و ریشه قرآنی و نبوی داشت البته در آن جامعه هم اختلافاتی از نوع دیگر وجود داشت اما این اختلاف‌ها مذهبی نبود.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: اختلاف‌ها در آن دوره برآمده از عوامل دیگری بود که ممکن بود در میان خود اهل سنت یا بخش‌هایی از شیعیان و اهل سنت ولی نه به عنوان شیعه و سنی، آن‌ها را مشاهده کرد. در دوران حکومت امیرالمومنین امام علی(ع) هر دو گروه شیعه و سنی در اطراف حضرت بودند، و این خود دلیلی است که باید در مناسبات اجتماعی با همه مذاهب ارتباط داشته باشیم.

**در دوره امام صادق، مذهب عامل اختلاف نبود**
حجت‌الاسلام والمسلمین مبلغی یادآور شد: بر همین اساس، هنگامی هم که حضرت اختلافات جامعه عصر خود را تحلیل می‌کند، ریشه و خاستگاه این اختلافات را مسائل نفسانی و نه مذهبی معرفی می‌کند. در واقع اگر

## سیره امام صادق(ع)، تقرب و تقویت زیرساخت‌های عاطفی در مناسبات امت اسلام بود

مذهب مبنای اختلاف بود، حضرت به آن اشاره می‌فرمود چون اگر بنا باشد اختلاف مذهبی عامل اختلاف در مناسبات شود، به صورت ریشه‌ای و محوری در جامعه خوندمایی می‌کند.

وی ادامه داد: این که حضرت فرموده «انما انتم اخوان علی دین ا…» ما فرق بینکم الا خبث السرائر وسوء الضمائر» و سخنی از مذهب به میان نیاورده است، نشان می‌دهد در تلقی صدر اسلام اختلافات فکری تنها به مثابه اختلافات فکری تلقی و وحدت امت هم امری فوق شک و شبهه اعتبار می‌شده است. در دوران حضرت امام صادق (ع) و قبل از آن حضرت هم همین طور بوده است.

وی گفت: در فضای امت اسلامی هیچ گاه به ذهن کسی نمی‌آمد که ما می‌خواهیم مثلاً به دلیل داشتن مذهب شیعه، حصاری دورخود بکشیم؛ بلکه همه مذاهب دربستر عام اسلامی حرکت می‌کردند. البته امامان معصوم(ع) به شیعیان خود دستورهای رفتاری هم می‌دادند ولی نه در راستای جدآشدن بلکه بیشتر در راستای رعایت اخلاق به منظور ارتباط برقرار کردن با جامعه.

وی در پاسخ به این سوال که با توجه به این که ما می‌گوییم حضرت امام صادق (ع) در پی تشکل بخشی به تشیع و مکتب اهل بیت (ع)و تبیین ایدئولوژی آن بودند، آیا این امر با این گفتار منافات ندارد؟ اظهار داشت: امامان معصوم(ع) با حاکمان جور مقابله می کردند نه با جامعه. البته تقابل آن بزرگواران با حکام نه از باب گرایش مذهبی آنان بلکه از باب ظلم و ستمی بود که بر مردم روا می‌داشتند.

وی یادآور شد: اگر حضرت امام صادق(ع) با خلفای بنی عباس مخالفت می ورزیدند نه به دلیل وابستگی آن‌ها به تفکر مذهبی خاص، بلکه به دلیل آن بود که آنها را متشاء و سرچشمه ظلم در جامعه می‌دانستند و دقیقاً از همین خاستگاه ظلم‌ستیزی، بخشی از اهل سنت هم با خلفا درگیر بودند.

وی خاطر‌نشان کرد: چنان که تعدادی از ائمه اهل سنت به دلیل مخالفت با خلفای عباسی زندانی یا شکنجه شدند؛ مانند دو امام اهل سنت ابوحنیفه و احمدبن حنبل که مدتی را در زندان عباسیان به سر بردند. امامان معصوم در روند مبارزه گاه فعالانه شرکت داشتند و در این راستا نهضت‌هایی را شکل می‌دادند و گاه مبارزه فرهنگی را دنبال می‌کردند. از سوی دیگر، امامان (ع) می‌کوشیدند، ایدئولوژی و سلوک شیعیان را تقویت کنند. آقای مبلغی ادامه داد: این جریان‌سازی فکری و ایدئولوژیک چند محور داشت: اول اینکه تشیع از حیث فکری و فرهنگی متشکل و ساختارمند شود؛ همان طور که اهل سنت هم در پی ساختارمند شدن مذاهب خود بودند ولی این کار به معنای اختلاف‌افکنی نبود چون براساس ذهنیت غلط بعدی تصور براین شده است که شکل‌گیری جریان فکری باعث به‌وجود آمدن اختلاف می‌شود.

وی گفت: محور دوم این جریان‌سازی فکری این بود

## آیت‌الله‌العظمی‌بروجردی پشتاز در وحدت و تقریب مذاهب

زد. عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعداز حمله قلبی اول که عارض شد، مدتی بیهوش بوده‌اند؛ بعد که به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان را مطرح می‌کنند و می‌گویند: من آرزوها در این زمینه داشتم.»
در همین زمینه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی دوانی می‌گویند: «آیت‌الله بروجردی در درس خارج فقه خود در بعضی مواقع فتاوی علمای عامه را بیان می‌کرد و می‌فرمود مسیر تاریخ فقه اسلامی با مطالعه در فتاوی علمای عامه روشن‌تر می‌شود. به همین منظور حاج شیخ محمدتقی قمی را به عنوان نماینده خود در مصر انتخاب نمودند و خود به عنوان یک عالم شیعی با رؤسای الازهر ارتباط داشتند و نامه‌ها مبادله می کردند.»

امام خمینی(ره) نیز نظراً و عملاً ادامه‌دهندهٔ راه وحدت‌بخش و روش تقریب آیت‌الله بروجردی بود؛ چنان که فرمود: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید

## سیره امام صادق(ع)، تقویت و تقویت زیرساخت‌های عاطفی

## در مناسبات امت اسلام بود

که جریان‌سازی به معنای اخلاقی کردن هرچه بیشتر تشیع بود نه جدا کردن آن از جامعه؛ به این معنا که امامان معصوم (ع) با تربیت اخلاقی شیعیان در راستای تقویت مناسبات امت گام برمی‌داشتند. این کار البته خدمت به کل جامعه بوده است .

**توصیه های امام صادق برای تقویت مناسبات اسلامی**

وی اظهار داشت: چون یک انسان اخلاقی همزیستی توأم با رفق و مدارا را نشرمی‌دهد. در این راستاست که حضرت امام صادق(ع) به اصحاب و پیروان خود می‌فرمایند: شما با آنان (اهل سنت) معاشرت کنید، در تشییع جنازه و نمازهای آنان شرکت کنید و… تا نگویند جعفربن محمد اصحاب خود را مؤدب نکرده است. این روایت بیانگرآن است که رویکرد اهل بیت (ع) یک رویکرد معطوف به حضور در جامعه اسلامی بوده است.
آقای مبلغی خاطر‌نشان کرد: محتوای این سخن، حضور در جمع سایر اجزای امت اسلامی است. از این گذشته، تعلیل حضرت به این که «نگویند»، به خوبی پیش فرض‌های حاکم بر مکتب اهل بیت (ع) را آشکار و مشخص می‌کند که برای آن بزرگواران نوع ذهنیت اهل سنت مهم بوده است. پس بخشی از تقویت تفکر شیعی در راستای وحدت‌بخشی و اخلاقی کردن جامعه و بخشی هم ترویج ایده‌های مکتب بوده است، زیرا اهل بیت(ع) خود را برحق می‌دانسته‌اند، اگرچه لازم نیست در این گونه ترویج، دیگران نفی و طرد شوند.

وی اظهار داشت: از اینجا می‌توان گفت که تقریب امام صادق (ع) از نوع تقریب عاطفزا (تقویت زیر ساخت‌های عاطفی مناسبات امت اسلامی) بوده است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا با این وصف درس لازم از قرن دوم در جهت حتی تقریب تباعدزای کنونی گرفته نمی‌شود؟ گفت: پیش فرض‌های تاریخی از سخت‌ترین پیش فرض‌ها برای شکسته شدن است و ره‌اشدن از این ذهنیت‌های پدید آمده، دشوار و گاه ناممکن است؛ زیرا در دل تاریخ پدید آمده و با گذشت زمان رسوخ یافته و سپس در مسیر بازتولید فعالیت‌های اجتماعی و نهادسازی قرار گرفته است. در این شرایط، باید دقت و مطالعه و بررسی کرد تا خطاها را یافت و به تحلیل فrazه‌نیتی دست یافت. باید مبانی فراتر از تاریخ را از قرآن و عقل فrazه‌نیتی برگرفت. بدین گونه می‌توان به خطاها پی برد.

وی تصریح کرد: اگر با توجه به آن چه گفته شد، تاریخ را مطالعه کنیم به انبوهی از علایمی برمی‌خوریم که در آن عصر تقریب با هدف تقویت مناسبات و روابط تزریق عاطفه به درون جریان ارتباط‌های طبیعی انجام می‌گرفته است و اختلاف مذهبی به عنوان عاملی برای جدایی، جایی در اذهان نداشته است؛ در عین حال که حقانیت مذهبی هم مطرح بوده است.

## آیت‌الله‌العظمی‌بروجردی پشتاز در وحدت و تقریب مذاهب

که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلا در کار نیست، ما همه با هم برادریم.» (صحیفه امام، ج ۶، ص۱۳۳)

«به حرف اشخاصی که می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بین ما برادرها را جدایی بیندازند و منافع ما را به جیب دیگران بکنند، اعتنا نکنید.» (صحیفه امام، ج ۶، ص۴۳۴)

«باید همه توجه داشته باشیم که مبدا یک وقت تبلیغی بشود که در طول تاریخ تقریباً شده است که ما را، برادرها را از هم جدا کردند. اهل سنت را با ما جدا کردند. ما را از آنها جدا کردند. باید با هم برادر باشیم. نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سرش دعوا بکنیم سر یک چیزی که نباید دعوا بکنیم… خطبا هم در خطبه‌هایشان مردم را بیدار کنند. مردم را دعوت کنند به صلاح، دعوت کنند به اینکه این توطئه‌هایی که در اطراف هست برای محو اسلام است.» (صحیفه امام، ج۱۳، ص۳۳۹)

به قلم: محمد رجایی‌نژاد

## رئیس کل بانک مرکزی:

## حذف ربا از سیستم بانکی کشور کافی نیست



رئیس کل بانک مرکزی با بیان این که حذف ربا از سیستم بانکی کشور شرط لازم اما کافی نیست، گفت: باید در زمینه تأمین منابع و بهبود وضعیت سود سپرده‌های در سیستم بانکداری

کشور، فراتر از بخشنامه، با پرهیز از ظاهر سازی شرعی در راستای رفع نیازهای مردم گام برداشت.

ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در آیین افتتاحیه بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی که ۱۲ شهریورماه برگزار شد، ضمن اشاره به سیاست‌های بانک مرکزی در خصوص بانکداری اسلامی، اظهار کرد: بایستی در این خصوص در دو جنبه بحث شود؛ عامل اول وضعیت بانکداری اسلامی در مقایسه با دیگر کشورها و نحوه تعامل بانکداری اسلامی ایران با دیگر بانک‌های اسلامی دنیا است.

وی ادامه داد: عامل دیگری که در خصوص سیاست‌های بانک مرکزی در راستای بانکداری اسلامی باید مورد توجه قرار داد، توجه به وضعیت استقرار بانک مرکزی است که این امر خوشبختانه در حال حاضر دغدغه رئیس بانک مرکزی و رئیس جمهور است. با توجه به اینکه همایش سیاست‌های پولی و مالی توسط بانک مرکزی اردیبهشت‌ماه هر سال برگزار می‌شود، لزوم توجه به موضوع بانکداری اسلامی به طور صرف در این همایش بیش از پیش احساس می‌شود.

سیف ادامه داد: باید توجه داشت که در کنار چالش‌های نظام پولی و مالی کشور، مسئله کنترل تورم، ثبات بازار مالی و انطباق آن با قوانین اسلامی از اولویت‌های بانک مرکزی و دولت است. همچنین باید توجه داشت که آسیب‌شناسی الگوی عملیات بانکداری بدون ربا که به صورت یکپارچه در ایران برگزار شده، چه تفاوت‌هایی با الگوی ویژه بانکداری اسلامی در دیگر کشورها دارد.

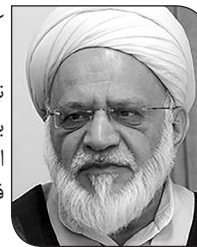
وی با تأکید بر این که باید نشان داده شود که الگوی یکپارچه بانکداری اسلامی در ایران تا چه حد اجرایی و عملیاتی شده است، افزود: همچنین در زمینه صنعت رونق بانکداری اسلامی باید مشوق‌هایی برای بانک‌هایی که به طور عملیاتی و نه در چارچوب بخشنامه در راستای بانکداری اسلامی عمل می‌کنند، در نظر گرفت.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین خاطرنشان کرد: حذف ربا از سیستم بانکی کشور شرط لازم است، اما کافی نیست و باید در زمینه تأمین منابع و بهبود وضعیت سود سپرده‌های در سیستم بانکداری کشور، فراتر از بخشنامه عمل کرد. بالاترین درجه سیستم بانکداری اسلامی زمانی محقق می‌شود که با پرهیز از ظاهر سازی شرعی در عمل در راستای تأمین منابع و رفع نیازهای مردم گام برداشته شود.

وی با اشاره به اهمیت قوانین اسلامی در بانکداری، گفت: باید توجه داشت که بانکداری اسلامی یک بانکداری سنتی است که در آن قوانین اسلامی لحاظ شده و باید در سیستم بانکداری به منظور رونق بانکداری کشور از تجربیات دیگر کشورها بهره گرفت. وی در پایان خاطرنشان کرد: ویژگی بانکداری اسلامی پرهیز از خوردن مال باطل، ممنوعیت ضرر و ضرار در بحث تنظیم قوانین و ممنوعیت غرر و ممنوعیت ربا است.

## حجت الاسلام والمسلمین مصباحی مقدم:

## گسترش شورای فقهی در بانک‌ها، رونق فزاینده درآمد حلال را به دنبال دارد



کردن آن، اقداماتی صورت گرفت.

وی ادامه داد: وظیفه این شورا اظهار نظر فقهی در رابطه با وظایف اجرایی بانکی است و اظهار نظر فقهی در خصوص ابزارهای نوین بانکی در دوره جدید فعالیت‌های شورا مدنظر قرار گرفته است.

وی با بیان این که جلسات شورا هر دو هفته یک بار تشکیل می‌شود، افزود:

دستورالعمل فعلی شورا، اجرایی کردن سه ابزار نوین اسلامی شامل عقد استثناء، سلف و مرابحه است. در رابطه با نرخ سود سپرده‌ها نیز بیانه‌ای از طرف شورا منتشر شده که در آن تأکید می‌کند نرخ سود سپرده‌ها نباید به صورت دستوری توسط دولت محاسبه شود، بلکه باید از طریق بازار و به صورت کاملاً واقعی در نظر گرفته شود.

آقای مصباحی مقدم ادامه داد: همچنین در زمینه ارائه سودهای سپرده، باید به این نکته توجه داشت که این

عضو شورای فقهی بانک مرکزی با تأکید بر این که لزوم تشکیل شوراهای فقهی در همه بانک‌های کشور امری بدیهی است، گفت: گسترش شورای فقهی سبب می‌شود تا عیوب سیستم بانکی مشخص شده و عملکرد صحیح بانکداری اسلامی که منجر به رونق درآمد حلال خواهد شد، بهره‌وری بیشتری پیدا کند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم، عضو شورای فقهی بانک مرکزی در آیین افتتاحیه بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی با اشاره به فعالیت‌های شورای فقهی اظهار کرد: این شورا از زمان آقای شبانی در قالب یک شورای مشورتی بود و در دوره آقای مظاهری، پیگیری آن در قالب یک شورای قانونمند صورت گرفت و در دوره آقای بهمنی در راستای قانونمند

## دکتر نهان‌دیان مطرح کرد:

## ناکامی در نیل به نظام بانکداری اسلامی پس از سه دهه فعالیت

قانونی درگیر بحث‌های حقوقی شویم و از اصل ماجرا دور شویم یا از طریق دوم و با نگاه به عملکرد سه دهه اخیر، اثرات اجرایی بانکداری اسلامی را در کشور مورد بررسی قرار دهیم.

دکتر نهان‌دیان با بیان این که نگاه به فعالیت‌های سه دهه بانکداری کشور نشان از عدم توفیق نظام بانکداری اسلامی در کشور می‌دهد، افزود: آنچه هدف بانکداری اسلامی و همان ظهور برکت در اقتصاد است، در اقتصاد کشور نمود پیدا نکرده است.

وی ادامه داد: بانکداری ما در حال حاضر شدیداً مورد هجوم قرار گرفته و باید بازنگری طبیعیانه در آن صورت گیرد. مدیریت بانکی باید به مدیریت خود بانک‌ها انجام شود و بهترین نیروها را در راستای اجرای قوانین بانکی و اعمال سیاست‌های بانکی جمع کنیم. رئیس اتاق بازرگانی ایران افزود: ذکر این نکته ضروری است که اصلی‌ترین برنامه به منظور رونق

دکتر نهان‌دیان با بیان این که نگاه به فعالیت‌های سه دهه بانکداری کشور نشان از نبود توفیق نظام بانکداری اسلامی در کشور دارد، گفت: آنچه هدف بانکداری اسلامی و همان ظهور برکت در اقتصاد است، در اقتصاد کشور نمود پیدا نکرده است.

محمد نهان‌دیان، رئیس اتاق بازرگانی ایران در بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی ضمن تشکر از انتخاب موضوع همایش در رابطه با «هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی با اقتصاد کشور»، اظهار کرد: مهمترین نکته این همایش باید این موضوع باشد که آیا بعد از سه دهه تلاش در عرصه بانکداری، بانکداری اسلامی در کشور تحقق پیدا کرده یا نه.

وی ادامه داد: برای پاسخ به این پرسش که آیا در این زمینه به آنچه که مدنظر قانون بوده، رسیدیم یا نه، باید بگوییم برای کشف این موضوع می‌توان از دو طریق وارد شد؛ اول اینکه با رجوع به تبصره و مواد حقوقی

## رئیس کارگروه طرح تحول ساختار بانکی:

## اشکالات فقهی به موازین حقوق بانکی وارد است

آقای عیوضلو گفت: لازم است سپرده‌های مربوط به عقود مبادله‌ای از سپرده‌های مشارکتی تفکیک شود و نرخ‌های سود سپرده‌ها بر اساس عملکرد واقعی این وجوه باشد.

رئیس کارگروه طرح تحول ساختار بانکی با بیان اینکه ارزش پول در سلسله معولات مبادله باید تعیین شود، تصریح کرد: قیمت گذاری در نظام بانکداری اسلامی بر اساس بازدهی واقعی ناشی از فعالیت اقتصادی و بخش پولی هم تابع بخش حقیقی اقتصاد است.

وی افزود: نرخ سود حاصل از بکارگیری پول در فعالیت اقتصادی باید متناسب با فعالیت حقیقی در بخش واقعی اقتصاد داشته باشد و گرفتن بهره از سرمایه پولی که در فعالیت حقیقی اقتصادی شرکت نکرده و بازگشت اصل آن تضمین شده است، ربا تلقی می‌شود.

وی با توضیح اینکه مقررات و ضوابط حاکم بر عملکرد نظام بانکی با استانداردها و ضوابط روز دنیا مطابقت دارد، گفت: نظام حقوقی کشور ما فاصله بسیاری از الزامات توسعه نظام بانکی بین‌المللی دارد.

عیوضلو گفت: برغم پیشرفت‌های محسوس در عملکرد نظام بانکی و اثربخش بودن فعالیت بانک‌ها در اقتصاد کشور، بانک‌ها با چالش‌های فراوانی بانکی‌ها روبرو بوده که یکی از آنها ناهماهنگی نظام بانکی و نظام حقوقی کشور است که در موارد زیادی موجب ایجاد محدودیت‌ها و محکومیت‌ها برای بانک‌های کشورمان شده است.

عضو هیئت مدیره بانک توسعه صادرات ایران

به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، «حسین عیوضلو» در نشست جانبی بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی گزارشی از آخرین وضع طرح تحول ساختاری نظام بانکی کشور ارائه و محورهای این طرح را تشریح کرد.

وی گفت: اجرای دقیق بانکداری اسلامی مستلزم تفکیک انواع حسابهای بانک‌ها بر اساس انواع روش‌های تأمین مالی است.

عضو هیات مدیره بانک توسعه صادرات ایران تصریح کرد: روش یک کاسه کردن حساب‌ها و برخورد مالکانه با این وجوه با موازین بانکداری اسلامی هماهنگی ندارد. بانک نقش واسطه و وکیل را دارد و موظف است سپرده‌ها را بر اساس نیت و نوع انتخاب سپرده‌گذاران تنظیم کند.

این استاد اقتصاد اسلامی تصریح کرد: در این طرح به جای یکپارچه حساب‌ها، حساب‌های هر بانک بر اساس انواع محصولات آن بانک تنظیم می‌شود و نرخ‌های سود بانکی عملاً از بخش واقعی اقتصاد تبعیت می‌کند و امکان بررسی میزان ارزش افزوده متعلق به هر یک وجود خواهد داشت.

عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع) اظهار داشت: بر اساس بازنگری قانون بانکداری حتی سپرده‌های قرض الحسنه بانک‌ها با عقد وکالت تعریف می‌شود به این معنا که بانک‌ها موظفند این وجوه را بعد از کسر نرخ‌های قانونی صرفاً در مصارف قرض الحسنه استفاده کنند.

صنعت بانکداری و اجرای سیاست‌های بانکداری، حفظ آرامش و پرهیز از التهاباتی است که در یک سال و نیم اخیر در بازار ارز و در چند سال اخیر در عرصه مدیریت بانکی کشور وجود داشته است. وظیفه دولت نیز در این راستا تأمین اطمینان مدیران بانکی به منظور برنامه‌ریزی بلندمدت با هدف کنترل تورم و خروج از شرایط رکود تورمی است.

وی همچنین خاطرنشان کرد: باید توجه داشت که در این راستا سیاست‌های مالی باید در خدمت بخش واقعی اقتصاد باشد و در این راستا جلوگیری از سوء استفاده از عقود اسلامی اجتناب‌ناپذیر است.

دکتر نهان‌دیان در پایان گفت: به منظور رونق تولید و تجارت بین‌المللی باید رابطه معقولی بین بانک و بنگاه صورت گیرد و بنگاه‌هایی که به طور واقع با مشکلات اقتصادی روبرو می‌شوند، مورد حمایت سیستم بانکی قرار گیرند.

تصریح کرد: به لحاظ فقهی اشکالات زیادی به موازین حقوق بانکی وارد است و صوری بودن قراردادهای بانکی زمینه بطلان این قراردادها را فراهم می‌کند. در این خصوص پیشنهادها کارگروه راهبردی تحول نظام بانکی به بانک مرکزی ارایه شد و ویرایش نهایی لایحه بانکداری در اواخر دولت دهم به همراه طرح تحول بانکی تا هیات دولت هم رفت اما بی نتیجه ماند.

این استاد اقتصاد اسلامی همچنین گفت: نظام بانکداری و مالی اسلامی اختصاص به حذف ربا ندارد، بلکه شامل نفی غرر و غبن و قمار و ظلم و ضرورت رعایت کارایی فنی و تخصیصی و تراضی نیز هست.

قانون صنفی نظام بانکی تشکیل شود وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: نظام بانکی کشور فاقد شکل حرفه‌ای و صنفی است و برای حمایت از حقوق صنفی و حرفه‌ای لازم است قانون صنفی نظام بانکی تشکیل شود که به دفاع از حقوق و منافع عمومی و صنفی مشترک بانک‌ها خصوصاً در برابر هجوم‌های نا عادلانه بپردازد.

آقای عیوضلو تصریح کرد: این قانون صنفی همچنین می‌تواند با ارایه نظر مشورتی و ایجاد هماهنگی بین بانک‌ها و موسسات اعتباری عضو، به مطالعه و تحقیق مسایل پولی و بانکی کشور بپردازد و راهکارها و پیشنهادها لازم را به منظور توسعه و پیشرفت بانکداری و گسترش خدمات بانکی کشور بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها پیشنهاد دهد.

«ای برادران! پیش به سوی صلح، پیش به سوی آشتی ملی، پیش به سوی همزیستی ادیان و فرهنگ ها، پیش به سوی فرهنگ گفت و گو و ایستادن در برابر همه موانع گفت و گوی فرهنگی ....»

اینها جملاتی است از اندیشمندی که امروز ما را فرا می خواند به تعادل و تعامل و مدارا با هر گرایش فکری، دینی و سیاسی در روزگاری که همه مان در محاصره جنگ و ستیز و درگیری قرار گرفته ایم.

.. و آنان که ۸ شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی این اندیشه را از ما ربوده اند، به خوبی نقطه عطف زندگی مسلمانی ما را نشانه گرفته اند و دانسته اند که راز پیروزی مسلمانان در عصر حاضر همین منطق تعادل و تعامل است که در صدر اندیشه ی امام موسی صدر می درخشید.

این بار پای صحبت‌های خانم حوراء صدر (دختر گرامی امام موسی صدر) نشستیم تا از تعادل در مسلمانی مان بگوییم، که سخن امروز ماست و از تعامل و گفت و گو، که نیاز امروزمان؛ و از همزیستی فرهنگ ها و ادیان، و از مدارا با همگان؛

و همه این نیازهای ضروری زندگی مسلمانی مان را در چشمه ی جوشان و زنده ی یک ابر مرد، یک روحانی و مبلغ دینی بیدار و تاثیر گذار و یک متفکر بزرگ بجویم که از جهان ما ربوده اند. به امید بازگشت او که پیش از هر چیزی و بیش از هر زمانی به وجودش نیازمندیم. در ادامه بخشی از گفت و گویی که با خانم حوراء صدر انجام شده را می‌خوانید.

منبع: خبر آنلاین

\*\*\*

**نام هر کسی در ذهنیت عمومی با عنوان مشخصی گره خورده است. وقتی می گوییم امام موسی صدر بیش و پیش از هر چیزی به یاد اندیشه تعامل و همزیستی مسالمت آمیز و مدارای همگانی در عمل می افتیم. چه می شود که یک روحانی و مرجع دینی اینگونه نماد عملی این موضوع قرار می گیرد. چه مشخصه های اخلاقی و عملی در امام موسی صدر وجود داشت که او را نمونه ای از تعامل و همزیستی همگانی کرده بود؟**

بی تعارف پاسخ این سوال سخت است. ما عالم و آدم های برجسته در زمینه های مختلف در حوزه و جامعه کم نداریم.

تعبیر درستی به کار بردید که به تطابق فکر و عمل اشاره کردید. یعنی که این طور نبوده که حرفی که می زنند یک چیز باشد و عملشان چیز دیگر، بلکه همان را انجام می دهند. برای پاسخ به سوال شما چند مشخصه به نظرم می رسد. اول اعتقاد ایشان به انسانیت انسان است. ورای اینکه چه عقیده ای دارد و چه دینی، انسان بودن انسان برای امام موسی صدر اهمیت دارد. زن و مرد بودن، پیر و جوان بودن، چپ و راست بودن، مسلمان و مسیحی بودن هیچ کدام در برخورد ایشان ملاک نیست. ایشان همه را انسان می بینند و خودشان را موظف به رفتارهای انسانی با انسان ها می دانند. همین توجه شان به انسان و مقام انسان و کرامت او است که می گوید ادیان برای دو هدف هستند، یکی دعوت به خدا و دیگری خدمت به انسان، یعنی ادیان در خدمت انسان هستند.

نکته دوم شیوه اخلاق و رفتار با انسان هاست. ایشان خودشان را بالاتر و برتر نمی بینند. مثلا حتی در گفتارها و سخنرانی ها به خصوص برای دیگر ادیان، مستمعین احساس نمی کنند که ایشان خود را بالاتر و آنها را پایین تر می داند. انگار که دارد گفت و گو می کند.

در سخنرانی کلیسای کوشیین می گوید من با زبانم با شما سخن می گویم ولی با قلبم به حرف شما گوش می دهم. یعنی ارتباطی دو طرفه.

او در پاسخ به خبرنگاری که از ایشان می پرسد که چرا این قدر محبوب هستید؟ خب این برای همه جالب

## رفتارهای یک روحانی متفاوت از زبان دختر امام موسی صدر



برای ارتقاء افراد است.

با توجه به این دو اعتقاد طبیعی بود که این ارتباط را با تک تک مذاهب و گروه ها و فرقه ها برقرار کنند. برای این که آن دیگری هم انسانی است مثل من و فرقی ندارد. پس باید با هم بنشینیم و حرف بزنیم. حتی غیر از فرقه های مذهبی، برخی افراد هم هستند که کمونیست بودند و امام دائم با آنها ارتباط برقرار می کردند. مثلا فردی که در آن زمان چپ و کمونیست بوده و به خدا اعتقاد نداشت، امام موسی صدر بارها او را صدا زدند و می خواستند که بیاید و با هم گفت و گو کنند. نه اینکه بیا من برایت حرف بزنم. بیا من حرف هایت را بشنوم. یعنی خود را در معرض این سخنان قرار می دادند.

خود امام هم از این ارتباط و صحبت استفاده می کردند. هیچ وقت این حالت نبوده که بگویند بیا صحبت کنیم تا من به تو یاد بدهم. تو نمی فهمی. این منطق رفتاری ایشان نبود. می گفتند بیا با هم بنشینیم و صحبت کنیم.

حتی با مسیحی ها هم همین طور بودند. یک خاطره ای را «اسقف ژرژ خضر» یکی از کشیشان معروف اهل لبنان که خدا ان شالله طول عمر به او بدهد، می گفتند که در یک سخنرانی امام موسی صدر حرف می زدند و بعد یک تعبیری درباره اعتقادات مسیحی بیان می کنند که به نظر آقای خضر صحیح نبوده است، می گوید امام صحبتش تمام شد و آمد پیش من نشست. به او گفتم که این حرفی که زدید به این دلیل درست نیست. بعد می گویند ایشان یک دفتر کوچکی داشت از جیش بیرون می آورد که رئیس مطالب سخرانی در آن بوده و جمله ای را که درباره آن موضوع نوشته بودند خط می زند و نظر اسقف را می نویسند. یعنی همان جا این حرف را می پذیرند. کشیش ژرژ می گوید آن قدر این کار برای مهم بود که همواره این اتفاق در ذهنم باقی مانده است. همین کشیش خضر در صحبت دیگری می گفت که ما تا قبل از اینکه امام موسی صدر به لبنان بیاید فکر نمی کردیم که اصلا شیعیان و مسلمان ها کسی را داشته باشند که در مقابل ما نتواند بنشیند و با ما حرف بزند. ایشان که آمد تازه فهمیدیم که نه، کسی هست که می شود با او حرف زد و بحث فکری کرد.

من فکر می کنم، این اعتقاد واقعی است نه شعاری. اعتقاد به این که انسان ها باید با همدیگر گفت و گو و تعامل کنند و از تجربه های همدیگر استفاده کنند از عمل شان درک می کردیم. این ها همه ریشه در احترام خاصی است که به همه انسان ها می گذاشتند. فارغ از اینکه چه کسی و در چه سطحی باشد. همین تاثیرگذاری او را چندین برابر کرده است.

**همین مصادیق گفت و گو و شیوه های تعامل است که موجب محبوبیت جهانی امام موسی صدر شده است. یعنی آیا امروز اگر مبلغان و پیام رسانان دینی ما این شیوه را زنده کنند می توانند تاثیر گذار باشند؟**

یکی از دوستان امام موسی صدر می گفت که من یک دفعه از ایشان پرسیدم که چرا این قدر مردم تو را دوست دارند و تحت تاثیر تو هستند؟ می گویند که حتما کسانی تو را حمایت می کنند و لابد فلان دولت و دستگاه امنیتی پشت شماست. امام موسی صدر به ایشان گفتند، برای پاسخ به این سوال شما کافی است که به کیلومتر شمار ماشین من نگاه کنید. ببینید که در هر روز و در هر ماه من چقدر در این کشور کوچک با این ماشین می روم و می آیم، می گفتند من درب هر خانه ای را زده ام. من با همه افراد حرف زده ام. با آنها

نشست و درخواست کرده ام، سر سفره شان نشسته ام و با آنها گفت و گو کردم. پس نیازی نیست که کسی یا دولتی پشتیبان من باشد.

ایشان نمی نشستند که بقیه بیایند سراغ شان. خودشان با تک تک افراد ارتباط می گرفتند.

یا وقتی اتفاقی برای مردم می افتاد، اولین نفری که حاضر بود امام موسی صدر بود. مثلا یک بار اسرائیل یکی از مناطق سنی نشین لبنان را بمباران کرد، اولین نفری که سراغ مردم می رود، ایشان است. لابد نام «شیخ احمد الزین» را شنیدید. یکی از شخصیت های اهل تسنن و مفتی سنی بوده است. ایشان می گوید «کفر شوبا» یک روستای سنی نشین را که زدند؛ ما که رسیدیم به آنجا، ناگهان دیدیم امام موسی صدر، این روحانی شیعه، قبل از ما رسیده و پتو و چادر هم برای اسکان آواره های سنی آورده است. آیا امروز می توانیم این سطح از عمل و تعامل را تصور کنیم. یعنی در قواعد رفتاری ایشان این اهمیت ندارد که چه کسی با چه مکتبی، با چه مذهبی، با چه فکری این بلا سرش آمده، مهم این است که باید به انسان ها کمک کرد. این هاست که ایشان را در قامت یک روحانی شیعه محبوب کرده است.

**خانم صدر! ما در بیان این شیوه تعاملی و همزیستی بین المللی در این سالیان در معرفی این شخصیت بی نظیر جهانی با دو رویکرد روبرو بودیم. یک عده ای از جماعت سنتی مسلک که با نگاه های خشک و متحجرانه و یک سویه خود اساسا این نوع گفتمان جهانی را از سوی یک عالم شیعه برنمی تابند و به بایکوت و نفی شخصیت امام موسی صدر می پردازند.**

**گروه دیگری داریم که چنان امام موسی صدر را معرفی می کنند که آدم تصور می کند با یک شخصیت روشنفکر لیبرال مسلک روبروست که این شخصیت حتی به مرزهای تقیدات و شرعیات دینی خیلی پایین نیست. حالا واقعا به نظر شما کدام تعریف از شخصیت امام موسی صدر درست است؟ ایشان را با کدام مرزها باید تعریف کنیم؟**

اگر کلی بخواهم بگویم، با ملاک های قرآن. پایبندی به قرآن در ایشان خیلی درخشان است. یعنی مینا قرآن است.

این تصور قطعا غلط است که ایشان را خارج از مرزهای شرع تعریف کنیم. ایشان هیچ وقت فراتر از احکام و عقیده نرفته اند. مثال می زنم. وقتی «سلیمان کتانی» درباره حضرت زهرا ( که درود خدا بر ایشان باد) کتابی نوشته بودند و برنده جایزه ای هم شدند و فکر کنم به فارسی به نام «زهی در نیام» ترجمه شده، از امام موسی صدر می خواهد که مقدمه ای بر این کتاب بنویسد. امام موسی صدر اینجا در اصول خود تعارف ندارند. در آن مقدمه درباره حضرت زهرا و ظلمی که به ایشان شده دقیق و با ادبیاتی زیبا سخن حق را نوشته اند و خطبه حضرت زهرا را آنجا کامل آوردند. یعنی ببینید اصول و مبانی سرچایش است و این نیست که من از اصولم عقب بنشینم و حرف طرف مقابل بشود حرف من. خیر. ولی یک روش و ادبیاتی را استفاده می کنند که بتوانند فکر خود را به درستی به دیگران معرفی کنند. وقتی می گویم بیایید گفت و گو کنیم، من خودم هستم، شما خودت هستی و هر دو در یک سطح داریم با هم تعامل می کنیم. این نیست که حال وقتی می گویم تعامل من دیگر از همه اصولم عقب می نشینم تا شما از من خوشتان بیاید. امروزه اصطلاحی می گویند به نام «بازی برد برد» نه اینکه یکی برنده و یکی بازنده باشد. یا مثلا ببینید ایشان مجلس اعلاای شیعیان را تاسیس می کند. البته اول تلاششان این بود که در مجلس اهل تسنن، بخشی برای شیعیان ایجاد شود که مسائل شیعیان هم آنجا حل و فصل شود، هر چه تلاش کردند این اتفاق نیفتاد و نتوانستند در این باره به نتیجه برسند.

ادامه در صفحه بعد

ما حق بزرگی دارد. زیرا ایشان یکی از بنیانگذاران و اثرگذاران جریان احیای اسلامی هستند و امیدوارم با بازگشت توأم با سلامت ایشان به سوی ملت و یاران و جامعه اسلامی، شاهد پیروزی دیگری برای جهان اسلام و شرق باشیم.

### از مسئولان ایران می‌خواهیم برای آزادی امام صدر تلاش کنند

«خلیل حمدان» عضو هیئت رئیسه جنبش امل نیز طی سخنانی در این مراسم با تأکید بر این‌که امام صدر همچنان در لیبی است و این مسئله باید پیگیری شود، گفت: امام موسی صدر و دو یارش در انتظارند تا از زندان آزاد شوند و به عرصهٔ جهادشان باز گردند.

وی با انتقاد از دولت‌های غربی و مدعی حقوق بشر گفت: جرایم متعدد قذافی شماره شد، اما مسئلهٔ ربودن امام موسی صدر و دو همراهش از قلم افتاد و در فهرست اتهاماتی که آنان اعلام کردند و بیشتر جرایم قذافی در آن آمده بود، ذکری از این جنایت نشد.

عضو هیئت رئیسه جنبش امل با بیان اینکه آقای نبیه بری، رئیس جنبش امل اقدامات بسیاری برای پیگیری قضیه انجام داده است گفت: کمیته‌های مختلفی به لیبی رفتند، اما علی‌رغم همکاری‌هایی که با لیبی داشتیم به نتیجهٔ تازه‌ای دست نیافتیم و با شما هم‌رأی هستیم که آنان در این مسئله تأخیر و اهمال کاری می‌کنند.

حمدان به حمایت امام موسی صدر از انقلاب اسلامی ایران در ماه‌های قبل از ربودن اشاره کرد و گفت: آخرین مقالهٔ امام موسی صدر با نام «ندای انبیا» دربارهٔ انقلاب اسلامی مردم ایران بود و از مسئولان ایران خواست که نهایت تلاش خود را برای آزادی امام مبذول دارند.

در بخش بعدی جلسه بخشی از نوشته‌های دکتر چمران، دربارهٔ جنبش امل قرائت شد که در آن به ایستادگی و شجاعت امام موسی صدر و گفتن کلمهٔ حق در زمانی که گفتن آن خریداری نداشت، اشاره شده بود و اینکه او تنها کسی است که از ابتدای نبرد تا امروز یک حرف زده و به یک راه رفته است و او تنها کسی است که از کشوری خارجی پول نگرفته بلکه فقط بر اساس مصلحت مردم عمل کرده است و او معیارهای جدیدی به جامعه عرضه داشت که همهٔ انسان‌ها را جذب می‌کرد. گفتنی است مراسم گرامیداشت امام موسی صدر به مناسبت سی و پنجمین سالروز ربودن امام موسی صدر، با حضور شخصیت‌های برجستهٔ علمی، فرهنگی، سیاسی و دینی خارجی و داخلی، روز سه‌شنبه دوازدهم شهریور ۱۳۹۲ به همت دفتر جنبش امل در تهران، در هتل انقلاب تهران برگزار شد.

### حالا این روزها بعد از این همه سال اسارت ایشان، خبر جدیدی از ایشان ندارید؟

خیر، غیر از درد و ناله و همکاری نکردن ها و کوتاهی ها، و فعلا درگیری ما بیشتر با مسئولان لیبی است. آنها انتظاری را که از اشان می رود عملا برآورده نمی کنند.

### دیپلماسی ایران در پی گیری موضوع ربوده شدن امام صدر، قوی بوده است؟

در این سال های اخیر که بیشتر لبنان پیگیری کرده است. کمیته ای که بعد از انقلاب لیبی در لبنان تشکیل شد، دو سال پیش، شروع به فعالیت کرد و ابتدا خیلی خوب و امیدوار کننده بود ولی عملا ماه هاست که طرف لیبیایی به مسئولیت هایش عمل نمی کند و تعهداتش به تعویق و تاخیر می افتد.

این فضا هم فضایی است که هر کسی هر چیزی را می خواهد می گوید. متاسفانه بعضی رسانه ها هم هر چیزی را که می خواهند تیتیر می کنند و کاری هم ندارند که خبر صحیح است یا خیر. بعد فردایش تکذیب می کنند. این شیوه غیر اخلاقی است. انتظار این است که اخلاق حرفه ای خود را حفظ کنند و با مسئولیت بیشتری با این خبرها برخورد کنند.

## آیت الله اراکی:

## امام موسی صدر یکی از بنیانگذاران جریان احیای اسلامی هستند

نسائهم خیر النساء.» (جوانان آنان بهترین جوان و زنان آنان بهترین زنان بودند).

آیت الله اراکی گفت: این جریانی که امام به وجود آورد، رستاخیزی برای هویت اسلامی و انسانی شرق بود و قیامی علیه آن هجوم هویت‌براندازی بود که دشمنان جوامع شرقی و اسلامی به وجود آوردند.

وی توضیح داد: این رستاخیز هویت، شاخصه‌هایی داشت و یکی از این شاخصه‌ها و مقوم اصلی و اساسی‌اش شخصیت رهبران آن بود.

او با بیان اینکه قرآن کریم رسالت انبیا را بنیان‌گذاری هویت توحیدی و نشو و نمای آن معرفی می‌کند گفت: قرآن دارندگان این هویت را به زندگان و بینایان و به اصحاب بصیرت تعبیر می‌کند و در مقابل، فاقدان این هویت توحیدی را نایبانیان و مردگان می‌خواند و می‌فرماید: «مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ لَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ...» نه مردگان با زندگان یکسان‌اند نه بینایان با نایبانیان و نه اهل شنوایی با ناشنوایان.

آیت الله اراکی گفت: این هویت توحیدی که هویت زندگی و حیات است (أَوْ مِّنْ كَانَ مَبِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا) هویت سمع و بصر و دانش است و هویت رَحْمَتِ اَسْت (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ) و هویت ذکر و یاد است و این هویت به وسیله هجوم دشمنان بشر و انسانیت بر جوامع شرق و بر جوامع اسلامی ما و بر جامعه ما، زیر چکمه مستبدان و مستکبران له شده بود.

وی افزود: بزرگ‌ترین کار حضرت امام احیایگری این هویت بود و همراهان امام نیز که در رأسشان شخصیت‌هایی مثل امام موسی صدر بودند، از همان مقومات شخصیتی امام خمینی برخوردار بودند.

دبیر مجمع جهانی تقریب مذاهب گفت: در هر جا که قرآن کریم اشاره به رهبری انبیا و امامت بشر و رهبران جریان حیات بشری و این هویت احیاگر می‌کند، به این مسئله بسیار مهم اشاره می‌کند که «وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» یا «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي» و اساساً قرآن کریم عالمان را این‌گونه معرفی می‌کند که: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» عالمانی که وارثان پیامبران‌اند تنها اینان‌اند که از خدا می‌ترسند و تنها ترس خداست که در دل آنان است، لذا در برابر مستکبران تنها اینان‌اند که قدرت مقاومت دارند.

وی گفت: در جهان معاصر ما همین اساس و بنیان جریان احیایگری است. اگر امام خمینی به عنوان رهبر احیایگری در جهان معاصر مطرح شد و این بیداری گستردهٔ اسلامی و انسانی منطقهٔ ما را در پی داشت، این

امام صدر پرسیدند که خب از اسلام چه می‌دانی؟ به چه علتی می‌خواهی مسلمان بشوی؟ ظاهراً دیدند که این فرد خیلی اطلاعات ندارد. به او می‌گویند برو اول این کتاب ها را بخوان، تحقیق کن و بعد بیا با هم گفت و گو کنیم. فرد مسیحی کمی فکر می‌کند و بعد می‌گوید که می‌خواهید راستش را بگویم؟ من می‌خواهم زنم را طلاق بدهم و چون در دین مسیحی نمی‌توانم طلاق بدهم می‌خواهم مسلمان بشوم که راحت طلاق بدهم. امام موسی صدر هم به او گفتند که اگر می‌خواهی این کار را بکنی من هیچ کمکی نمی‌توانم به شما بکنم تا مسلمان بشوید.

بعد آدرس خانه آن فرد را می‌پرسند و یکی دو باری به خانه اش می‌روند و شرایطی فراهم می‌کنند تا با گفت و گو ایشان را از طلاق منصرف کنند. جالب است که بدانید این فرد از طلاق منصرف می‌شود و به زندگی اش ادامه می‌دهد و حتی تا آخر عمر زنش را طلاق نمی‌دهد. مسلمان هم نمی‌شود.

به گفته راوی خاطره اگر آن موقع کس دیگری بود فوری او را مسلمان می‌کرد و افتخار هم می‌کرد که یک نفر پیش ما مسلمان شده است. پس می‌بینید که هدف این نبوده که کسی را مسلمان یا شیعه کند.

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، آیت الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب در مراسم سی و پنجمین سالگرد ربودن امام موسی صدر، با تشکر از برگزارکنندگان جلسه و به‌ویژه جنبش امل که آن را یادگار امام موسی صدر خواند، گفت: خاندان صدر از نادرترین خاندان‌های علمی جهان اسلام‌اند که در طول بیش از سیصد سال با خدمات کم نظیر و احیاناً بی‌نظیری که به جامعه بشریت ارایه کرده‌اند همواره در صدر احیاگران و در صدر تلاش‌گران برای احیای هویت امت اسلام و امت‌های شرق قرار داشته‌اند.

وی افزود: میراثی که از این خاندان بزرگ و شخصیت‌های کم‌نظیر یا بی‌نظیری آن در طول این سه قرن به جا مانده و خدمات گسترده‌ای که به فرهنگ و دانش و هویت اسلامی و انسانی ارایه داده‌اند، این خاندان را به خاندانی با امتیازات ویژه در تاریخ معاصر ما تبدیل کرده است. بالاخص در چند دهه اخیر، شخصیت‌های بزرگی که از این خاندان در کشورهای عراق و لبنان و ایران ظهور کردند، استثنایی و اثرگذار بوده‌اند و برجسته‌ترین نقش‌ها را در بزرگ‌ترین جریانات معاصر، داشته‌اند.

آیت الله اراکی سپس گفت: برجسته‌ترین مشخصه این چند دهه، خیزش خیزش هویت الهی و توحیدی جوامع شرق و اسلامی بوده است.

وی توضیح داد: کسی نمی‌تواند در این تشکیک کند که به رغم آنچه در آغاز قرن بیستم در جهان صورت گرفت، جوامع اسلامی دچار مصیبتی بزرگ شدند و این مصیبت از هم‌پاشیدگی هویت فرهنگی، ملی و دینی بود. او گفت: با از هم پاشیدگی این هویت اسلامی، زمینه برای فرقه‌گرایی‌ها و تشت‌های قومی و مذهبی فراهم شد و به این ترتیب منطقه مرکزی جهان اسلام و منطقه ما، مرکز سخت‌ترین و بدترین مصایب جامعه بشر قرار گرفت، به طوری که در طول این دهه‌های اخیر، هیچ جای دنیا حادثه‌خیزتر از منطقه ما نبوده است.

دبیر مجمع جهانی تقریب گفت: از امتیازات کم‌نظیر شخصیت امام خمینی و مجموعه همراه ایشان این بود که ایشان یک امت به تمام معنا بود. امام نماد جریانی نوظهور بود که برترین شخصیتش خود ایشان بود و فرهیختگان فراوانی، بلکه باید گفت همه فرهیختگان جوامع شرق، همراه و همگام بودند.

وی افزود: از جمله دستیاران برجستهٔ ایشان امام موسی صدر (نجاه الله تعالی) بودند؛ و کسانی دیگر مانند شهید بهشتی و شهید مطهری و شهید محمد باقر صدر نیز بودند. نظیر آنچه در نهضت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌بینیم که مورخان آن نهضت را چنین تعریف می‌کنند که هر شخصی از همراهان امام حسین در جامعهٔ آن روز شخصیتی برجسته و بی‌نظیر بود: «شاهم خیر الشباب و

ادامه از صفحه قبل

لذا گفتند حالا که همه یک مجلسی دارند که به امورشان رسیدگی می‌کند چرا شیعیان نداشته باشند؟ بنابراین مجلس اعلای شیعیان را تأسیس کردند. این یعنی ما از اصول خودمان دست برنمی‌داریم اما به دیگران هم توهین نمی‌کنیم. دیگران را حذف نمی‌کنیم. مرزهای عملی ایشان هم با قرآن تعریف می‌شود. قرآن ملاک اصل ایشان است.

### در کنار این مساله یک موضوع هم خیلی جالب است. امام موسی صدر در ارتباط دینی اش با افراد الزاما دنبال تغییر دین آن ها نیست. یعنی دنبال این نیست که مثلا اگر با یک مسیحی ارتباط می گیرد، او را مسلمان بکند. چرا؟

دقیقا درست است. به نکته جالبی اشاره کردید. این هم از مشی و تفکر تعاملی خاص ایشان است. واقعا هدفشان از ارتباط با دیگر ادیان و مذاهب، شیعه کردن و مسلمان کردن آنها نبوده است. ما اخیرا در این باره خاطره ای را منتشر کردیم. با یکی از لبنانی ها که به ایران آمده بود، مصاحبه داشتیم که می‌گفت یک بار یک فرد مسیحی را پیش امام موسی صدر بردیم که می‌خواست مسلمان بشود.

**شاهد توحیدی** | چالش‌ها و فتنه‌های مذهبی در جهان اسلام به یکی از دلمشغولی‌های مسلمانان مبدل شده است. زمینه‌ها و پیامدهای این فتنه‌انگیزی‌ها از مقولاتی است که بیش و پیش از هر کس، باید عالمان دین بدان بپردازند و برای آن چاره‌اندیشی کنند. در گفت‌وشنودی که در پی می‌آید عالم‌فرزانه حضرت آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی در این باب سخن رانده‌اند.

**فتنه‌انگیزی‌های مذهبی در جهان اسلام، به یکی از چالش‌های مهم مبدل شده است. در آغاز سخن – با عنایت به اینکه حضرت تعالی در عراق تشریف دارید – مناسب است که از ابعاد این پدیده بفرمایید.**

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی محمد و آله‌الطاهرین(ع). فتنه‌انگیزی‌های مذهبی در میان مسلمانان امروز حقیقت ملموسی است و بیش از هر وقت دیگری در عراق، پاکستان و افغانستان یافت می‌شود و به کشتار، آتش‌سوزی، هتک حرمت و تکفیر مسلمانان بی‌گناه اهل قیله و «لاله‌الاله‌الله» می‌انجامد. خونبارترین صحنه‌های این فتنه‌انگیزی‌ها در مصر جریان دارد یا درهمین عراق خودمان که تقریباً همه روزه کشتارهای وحشیانه در استان‌های دارای آمیخته‌ای از پیروان مذاهب، صورت می‌گیرد و هزاران خانواده از مناطق آشوب‌زده و شهر و دیار خود رانده می‌شوند.

**ظاهراً این پدیده در ماه‌های اخیر در عراق، ابعاد فزاینده‌ای هم یافته است؟**

بله، در عراق اتومبیل‌هایی با چندین تن مواد منفجره در میان زنان، کودکان، دانش‌آموزان و دستفروشان کنار خیابان، پیاده‌روها و بازارها منفجر می‌شوند. چیزی دردناک‌تر و وحشتناک‌تر از آن نیست که این اتومبیل‌های بمب‌گذاری شده در مسیر کودکانی که از مدرسه به خانه بازمی‌گردند و درحالی که کیف مدرسه خود را بر پشت دارند منفجر و پاره‌های تن آنها همراه با کتاب، قلم و کیفشان در سطح وسیعی پخش می‌شود. این عمل جلوی دانشگاه‌ها، مساجد یا حسینیه‌های مالامال از نمازگزار به هنگام ادای نماز نیز رخ می‌دهد. وحشتناک‌ترین این انفجارها، انفجارچندسال پیش در حرم مطهر عسکریین(ع) [در سامرا] بود که مردم دو بار آن را در گیرنده‌های ماهواره‌ای خود مشاهده کردند.

**ابزارهای توسعه این جنگ افروزی‌ها را چه چیزهایی می‌دانید؟ شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی تا چه حد در خدمت این پدیده هستند؟**

امروز شبکه‌های ماهواره‌ای که می‌توانند در جهان اسلام و جهان عرب بیشترین تماشاگر را جذب کنند و نیز روزنامه‌های کثیرالانتشار بخشی از ابزارهای سهیم در شعله‌ور ساختن آتش فتنه مذهبی به‌شمار می‌روند. در این فتنه، متأسفانه علما و مبلغانی که آنان را دارای مواضع معتدل می‌شناختیم، از خط اعتدال عدول کردند و به خط افراط‌گرایی فرقه‌ای افتادند. اگر وارد شبکه اینترنت یا یکی از اتاق‌های چت مذهبی-فرقه‌ای شوید، متوجه می‌شوید با کوره‌های آدم‌سوزی و وحشتناک‌ترین فتنه میان مسلمانان در طول تاریخ اسلام روبه‌رو هستیم و تمام تلاش‌هایی که علمای شیعه و سنی طی یک قرن گذشته در جهت تقریب مسلمانان به یکدیگر انجام داده‌اند، در معرض تهدید جدی قرار داد. چنانچه خداوند متعال ما را از شرّ این فتنه‌ها در امان ندارد و مردانی از مسلمانان به در هم شکستن آنها برنخیزند، بدبختی بزرگی گریبان ما را خواهد گرفت.

**به نظر جنابعالی اگر بخواهیم این بحث را به شکل مرحله به مرحله بررسی کنیم، این مراحل کدامند؟ چه مواردی در اولویت بازنگری و تحلیل هستند؟**

بنده فکر می‌کنم باید به طور مشخص سه مسئله مورد بررسی و تحلیل قرارگیرد:

۱- پیامدهای کنونی و آینده فتنه‌انگیزی‌ها

۲- علل و اسباب فتنه

## مکتب تکفیر و فرقه گرایی در گفت وشنود با آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی

۳- درمان فتنه

**پیامدهای کنونی و آینده فتنه‌انگیزی‌ها را چگونه می‌بینید؟**

برای شناخت پیامدهای ویرانگر فتنه‌انگیزی‌های مذهبی نیاز چندانی به تأمل و کنکاش نداریم. این فتنه‌انگیزی‌ها سابقه‌ای طولانی دارند و آنهایی که با این سابقه آشنا هستند و آن را دنبال کرده‌اند، خطرات بزرگ ناشی از آن را به‌خوبی می‌شناسند. این فتنه‌ها سریع‌الاشتعالند، ولی با کوشش‌های فراوان و با گذشت مدت‌های مدیدی، زخم آنها التیام می‌یابد. آنها حتی طبقه آگاه و معتدل را در برمی گیرند و اعتدال، توازن و دیدگاه منطقی را از سردمداران و مدعیان اعتدال هم سلب می‌کنند. مولای متقیان علی(ع) می‌فرماید: «اگر فتنه فرا رسد، دیگر حق را از باطل نشاید شناخت و هنگامی که پشت کند و برود، تازه سرشش آشکار و این و آن را آزموده و هوشیار خواهد ساخت.» (۱) اولین زبان‌های حاصل از این فتنه‌انگیزی‌ها، ناکام ساختن کوشش‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های تقریب مذاهب اسلامی است که علما و رهبران دینی از جمله سیدعبدالحسین شرف‌الدین، شیخ سلیم البشری، شیخ محمود شلتوت (شیوخ الازهر شریف)، آیت‌الله‌العظمی بروجردی، شیخ حسن البنا، امام کاشف‌الغطاء و امام خمینی (رحمه‌الله علیهم) در این قرن و قرن گذشته مبذول داشته‌اند. اینان برای سر دادن شعار «تقریب» و فراخوان به آن بهای سنگینی پرداختند. این درست است که شیعیان با هلهله و شادی از سخنان و فتوای شیخ محمود شلتوت (شیخ الازهر) استقبال کردند، ولی او هزینه‌های زیادی برای فتوای شجاعانه خود در محافل سنی –که ایده تقریب را رد می‌کردند– پرداخت. همین مسئله نسبت به منادیان «تقریب» در جامعه شیعی نیز صدق می‌کند، زیرا این فراخوان از سوی محافل شیعی با شک، تردید و مخالفت روبه‌رو شد.

زبان بعدی، ناکام ساختن برنامه سیاسی بزرگ اسلام است. این زبان، زبان بزرگی در حیات امت است. امروزه اسلام با دو رویارویی دشوار در داخل و خارج روبه‌روست؛ از خارج باید با رژیم‌های استکباری از جمله امریکا و اسرائیل و از داخل با مزدوران آنها روبه‌رو شود. برنامه سیاسی اسلام در هر دوی این رویارویی‌ها پایان بخشیدن به نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آنها واسلامی کردن رژیم‌های حاکم بنا بر اراده امت [مسلمان] است.

**و دقیقاً به همین دلیل از سوی طرف مقابل احتمال واکنش‌های حادثری می‌رود.**

بله، امروز اسلام گسترده‌ترین جنبش مخالفت با نفوذ استکبار در جهان را در تاریخ رهبری می‌کند. برنامه بزرگ سیاسی اسلام که امروز در خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، افغانستان و پاکستان جریان دارد، درحال گسترش فزاینده است تا مناطق وسیعی در آسیای میانه و جنوب شرقی آسیا را نیز در بر گیرد. فتنه مذهبی که امروزه در جهان اسلام شعله‌ور شده، برای شکست کامل این برنامه بزرگ سیاسی تهدید است. تباهی و ناکامی برنامه سیاسی اسلام به معنای ابقای نفوذ استکبار غرب، حمایت از تجاوزها، اشغالگری‌های اسرائیل، امکان دادن به رژیم‌های مزدور آنها برای تداوم عملیات چپاول منابع و ثروت‌های مسلمانان، بقای عقب‌ماندگی و وابستگی به غرب و تداوم وجود شرق اسلامی به عنوان منبع مواد خام مورد نیاز صنایع غرب و بازار گسترده مصرفی تولیدات آن است.

**چه جلوه‌هایی از این نهضت فراگیراسلامی که بدان اشاره کردید، دربخش‌های گوناگون جهان اسلام می‌توان یافت؟**

در هر بخش از جهان اسلام که قدم بگذارید، شاهد آگاهی، احساس مسئولیت، ایمان به ضرورت بازگشت اسلام به زندگی، خیزش علیه ستمکاران مستکبر، جنبشی سیاسی و انقلابی اسلامی، آگاهی جمعی نسبت به نقش ویرانگرانه غرب در سیاست، اقتصاد و فرهنگ و نهایتاً شاهد آگاهی نسبت به ضرورت بازگشت به خویش در پی بی‌خبری‌های طولانی مسلمانان از تاریخ، فرهنگ و میراث خویش و انحراف از آن خواهید بود. اگر این فتنه‌انگیزی‌ها ما را در برگیرد و آتشی که این فتنه را شعله‌ور می‌سازد گسترش یابد، از این برنامه چیزی که

بتواند خیزش مسلمانان را سامان بخشد، باقی نخواهد ماند. فتنه‌انگیزی‌های مذهبی امروزه آتش‌های مذهبی گسترده‌ای را به خیمه همکاری و همدلی مسلمانان با یکدیگر می‌اندازد و آن را به تباهی می‌کشاند و چیزی از آن باقی نخواهد گذاشت.

**مخاطبان این فتنه یا نقاط هدف آن، فقط شیعه و سنی هستند یا قلمرو وسیع‌تری دارد؟**
این فتنه، تنها شیعه و سنی را از هم جدا نمی‌کند. سنی‌ها را نیز از یکدیگر و مسلمانان را به گروه‌های متعدد و پراکنده تبدیل می‌سازد، چیزی که مطلوب رژیم‌های استکباری است.

زبان سوم، به تعطیلی کشاندن همکاری‌های فرهنگی میان مسلمانان است. عرصه فرهنگی ما امروزه شاهد همکاری گسترده‌ای میان مسلمانان است و به دلیل این همکاری‌هاست که شاهد طراوت و نشاط محسوس و غنای فزاینده فرهنگ معاصر اسلامی هستیم. هنگامی که اندیشه‌ها و خرده‌ها گرد هم آید، دل‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شود و عکس این امر نیز درست است. این همکاری فرهنگی نقش بزرگی در همدلی مسلمانان ایفا کرد.

ولی فتنه‌انگیزی‌های مذهبی کنونی یک بار دیگر همان دیوارهای روانی و فرهنگی را در میان مسلمانان بازسازی و بخش‌های مختلف فرهنگ اسلامی را از یکدیگر جدا می‌کند و حتی از این خسارت فراتر می‌رود و به خسارت بس بزرگ‌تری می‌رسد که همانا جایگزینی گسست فرهنگی به‌جای همکاری فرهنگی است؛ چیزی که در شبه قاره هند در زمان استعمار انگلیس اتفاق افتاد.

**در برانگیختن فتنه‌های مذهبی چقدر به اردوگاه استکبار سهم می‌دهید؟ با توجه به اینکه معمولاً پرسشگر این سؤال، به اعتقاد به تنوری توطئه متهم می‌شود.**

مسلماً پیامدهای تخریبی و آتش‌افروزی‌های گسترده‌ای که در پی هر فتنه مذهبی مطرح می‌شود و سهولت این آتش‌افروزی‌ها در لحظات غفلت و انفعال هرگز از چشم تیزبین استکبار جهانی پنهان نیست. گروهی از این رژیم‌ها از جمله انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، پرتغالی‌ها و ایتالیایی‌ها تجربه و خبرگی فراوانی در عرصه فتنه‌انگیزی‌های مذهبی دارند، هر چند نقش استعماری برخی از این رژیم‌ها به‌طور کلی یا تا حدودی در شرق پنهان مانده، ولی آنها تجربیات خود را برای رژیم امریکایی که امروزه شعار انحصار قدرت و حاکمیت را بر زمین سر داده است، به ارث گذارده‌اند.

**درعراق شما، تا چه حد دخالت کشورهای ابرقدرت در برانگیختن این فتنه‌ها نقش داشته است؟**

عراقی‌ها از شواهد بسیاری در مورد نقش امریکایی‌ها در برانگیختن فتنه‌های مذهبی و حمایت از باندهای مسلح در دیاله، مدائن، تلُفر و بلد سخن می‌گویند. یک شاهد عینی برایم گفته است که به علت گذاشتن مواد منفجره در کامیون حامل آرد در تلُفر هنگام ازدحام خانواده‌ها برای گرفتن سهمیه آردی که مدت‌ها قطع شده بود، این کامیون منفجر شد و تکه‌های جسد کودکان، زنان و مردانی که برای دریافت سهمیه آرد خود جمع شده بودند، به هر سو پراکنده شد و زمانی که مردم از هر سو برای جمع‌آوری مجروحان و زیر آوارماندگان می‌کوشیدند، تک تیراندازان با رگبار گلوله آنان را مورد هدف قرار دادند تا کشتار دیگری در میان گروه‌های نجات ایجاد کنند.

**از دیدگاه شما در جهان اسلام سه‌گانه «انزوا، تکفیر و تروریسم» چه نقشی در ایجاد این پدیده داشته است؟**

این سه‌گانه از خطرناک‌ترین علل فتنه‌انگیزی‌های مذهبی در تاریخ اسلام به‌شمار می‌روند.«انزوا» نسبت به نظرات دیگر و «تکفیر و تروریسم» در برخورد با دگراندیشان. من آنگونه که برخی مردم معتقدند، قائل بدان نیستم که در هر نظری حق و باطل وجود دارد یا همه یک نظر، حق یا همه آن باطل است. این برداشت از نقطه نظرهای گوناگون ضرورتاً باطل است. حق، تعددپذیر نیست و اگر نظری بر حق باشد، ضرورتاً نظر دیگر نمی‌تواند بر حق باشد، ولی البته این به معنای عصمت

یک نظر یا یک دیدگاه نیست، چون بسیار شده است که انسان متوجه خطای دیدگاه‌های خود و صواب دیدگاه دیگری می‌شود، لذا شایسته است انسان همواره پذیرای نظرات دیگران باشد، به آنها گوش بدهد و با صاحب آنها به گفت‌وگو بنشیند. گوش فرا دادن همان «گشودگی» و پذیرش است و پیروی از بهترین‌ها همان منطقی بودن و در میان دیدگاه‌ها به دنبال حق رفتن است. قرآن گشودگی و منطقی بودن در گزینش را معیار دقیق هدایت قلمداد می‌کند. «الَّذِينَ هَذَاهُمْ اللَّهُ» و برعکس انزوا و بسته بودن در برابر دیدگاه‌های دیگر آدمی را به گمراهی‌ها و بیراهه‌های زیادی می‌کشاند. «جمود»، «تکفیر» و «تروریسم» را به دنبال می‌آورد: «تکفیر» در برخورد با نظر دیگران و «تروریسم» با دگراندیشان.

**اسلام به صاحبان مکتب «تکفیر» و «تروریسم» از چه منظری می‌نگرد؟**

دین خدا در برخورد با دیدگاه‌های دیگر و صاحبان آنها سعه صدر بس بیشتری نسبت به صاحبان مکتب تکفیر و تروریسم دارد و نظرات دیگر و صاحبان آنها را مادام که شهادت «لاله‌الاله‌الله» و «ان محمداً رسول الله» را بر زبان دارند، در دایره اسلام قرار می‌دهد. اخراج این دیدگاه‌ها از دایره اسلام و قرار دادن آنها در دایره کفر جایز نیست. مباح دانستن خون صاحب آن رأی نیز روا نیست، زیرا شهادت «لاله‌الاله‌الله» او را در جان و مال مصون نگه می‌دارد. این قطعیت در دیدگاه‌ها، انزوا و بسته بودن نسبت به دیدگاه‌های دیگر و پیامدهای آن به لحاظ تکفیر و تروریسم برای نخستین بار در جنگ صفین مطرح شد و پس از آن صاحبان این رأی برای نبرد با امیرالمؤمنین(ع) در نهروان با هم ائتلاف کردند. امام علی(ع) با آنها جنگید و بر ایشان پیروز شد و ائتلاف سیاسی و نظامی‌شان را در هم شکست. هنگامی که برخی از یاران مژده هلاکت ایشان را به آن حضرت دادند، امام(ع) فرمود: «نه، به خدا چنین نیست! آنها هم اکنون بسان نطفه‌هایی در کمر مردان و رحم زنانند.» (۳) یعنی این حالت پایان نیافته است و همین که گروهی از ایشان هلاک شوند، گروه دیگری از آنها رخ می‌نمایند. همان‌گونه که حق پایان نمی‌پذیرد، باطل نیز تمام‌شدنی نیست و چه درست فرمود امام(ع). حالت تکفیری و افراط‌گرایی دینی –که امروزه در میان برخی مسلمانان مطرح شده است– ظهور جدیدی از همان حالتی است که امام(ع) در نهروان با آن جنگید، یعنی نفی مطلق دیدگاه دیگران، منزوی و بسته بودن در برابر نظر دیگران، تکفیر اهل قیله و روا دانستن خون آنان.

**تأثیر «تکفیریان» را در فعل و انفعالات امروز جهان اسلام چقدر مؤثر می‌بینید؟**

امروز این مسئله تبدیل به بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام شده است. آنها [تکفیریان] در عراق، پاکستان و عربستان سعودی از شبکه بسیار گسترده‌ای برخوردارند و در غرب آفریقا از جمله الجزایر، مراکش و در جنوب شرق آسیا همچون اندونزی، مالزی و حتی در برخی کشورهای اروپایی حضور دارند. از آنجا که این جنبش، جنبشی سیاسی، فرهنگی، سازمان‌یافته و زیرزمینی است، کاملاً مخفیانه و از هرگونه گفت‌وگو و نقدی به دور است، این جنبش زبان‌های بزرگ و فراوانی به جهان اسلام وارد آورده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

۱– تعمیق شکاف میان مذاهب اسلامی و برانگیختن فتنه‌های مذهبی در مناطق و کشورهای زیادی از جمله عراق، افغانستان و پاکستان، جداسازی تحریک‌آمیز و تکفیری مسلمانانی که با فلاّن نظر همسویی ندارند و روا دانستن خون آنها و برخورد با ایشان از خاستگاه تکفیر و تروریسم، ضرورتاً به تعمیق شکاف میان مذاهب اسلامی می‌انجامد. این فتنه‌ها، تنها ویژه رابطه میان شیعه و اهل سنت نیست و عملاً به روابط اهل سنت با یکدیگر نیز کشانده شده است. مجموعه‌ای از عملیات انفجاری و خرابکاری که تروریست‌ها در مناطق سنی‌نشین بغداد، رمادی، فلوجه و… انجام می‌دهند، دقیقاً اهل سنت را نشانه گرفته است.

**اینها تا چه حد مورد حمایت دولت‌های استکباری هستند؟**

ادامه در صفحه بعد

|                                             |                             |
|---------------------------------------------|-----------------------------|
| <b>شماره ۱۰</b>                             | <b>شماره مسلسل ۱۴۵۷</b>     |
| <b>نظرها و اندیشه‌ها</b>                    | <b>نیمه اول شهریور ۱۳۹۲</b> |
| <b>پست الکترونیک: besatonline@gmail.com</b> |                             |

باب‌مسائل سیاسی جامعه‌نکردم طبیعی‌است که سیاست‌باید پاسخگوی این مسائل باشد توقع این بود که جامعه اسلامی اخلاقی تراز جوامع دیگر باشد و باید جواب بدهند که چرا جامعه ما اخلاقی نیست جامعه ما می بایستی اخلاقی ترین جوامع باشد و آیا این جامعه از جوامع دیگر اخلاقی تر است؟!

دکتر داوری گفت: ما وقتی کتابی می خوانیم فکر نکنیم که چرا نویسنده برای من ننوشته است این درست است که هر کتابی مخاطبی دارد و اصلا نوشته بی مخاطب نیست. عیب این کتاب این است که مسئله امروز را می بینم. در جوانی به بسیاری از سخنرانی های راشد گوش می کردم. ایشان می گفت توقع نباشد که در جهان دروغ و ریا و غیره نباشد در واقع این مسائل همواره در جهان بوده و بعد از این هم در جهان خواهد بود. مضمون این جمله این است که اگر شما می خواهید اخلاقی باشید کاری کنید که قبح و زشتی از بین نرود. وی یادآور شد: درد من این است که ما قبح دروغ را از بین می بریم. قبح بد اخلاقی را از بین می بریم. زمان ما زمان نهیلیسم و نیست انگاری است. من این نهیلیسم را کنار گذاشته و در مورد فضائل اخلاقی نوشته ام در حالی که نوشتن در آن باب مشکل تر نبود.

وی در خصوص این نقد به کتاب که به مرجعی در آن ارجاع نداده گفت: می توانم مرجع بدهم ولی اصلا شان خودم را بالاتر می دانم که بخواهم بگویم چه کسی چه چیزی گفته است. شما سرتاسر کتاب ابن سینا را بخوانید هیچ جا با منبع مواجه نمی شوید. مسائل جامعه را گفته ام منبع به چه چیزی و به کجا بدهم! من کتاب نظری را ننوشته ام. به من می گویند روزنامه ای نوشته ای و عده ای می گویند مسائل کشور را مطرح نکردی پس من اینها را از کجا نوشته ام وقتی کلاه خود را قاضی می کنم و می بینم با توجه به منابع عظیم طبیعی که در کشور داریم می توانستیم مدرسه بهتر، دانشگاه بهتر، بهداشت و بهداری بهتر، معلم بهتر و ... داشته باشیم اینها مسائل ما نیست؟

اسلامی است و در عین حال از عوامل آن نیز به‌شمار می‌رود. علمای مسلمان و طلاب علوم دینی در مدارس فقهی مذاهب و گرایش‌های گوناگون حضور به هم می‌رسانند و اجازه روایت حدیث از یکدیگر می‌گرفتند.
طلاب علوم دینی عراق که بیشترشان شیعه بودند، به حجاز (عربستان سعودی)، مصر و شام ــ که غالباً از اهل سنت هستند ــ می‌رفتند و طلابی از حجاز، مصر، شام و کشورهای مغرب عربی برای تحصیل علوم دینی عازم عراق و حوزه حله ــ به عنوان یکی از حوزه‌های اصیل شیعه ــ می‌شدند.
علمای مسلمان نیز سفرهایی به مناطق مختلف اسلامی می‌کردند و در این سفرها طلاب دینی از ایشان می‌خواستند تا در فقه، اصول فقه و اصول عقاید به تدریس بپردازند.
امروزه نیز حوزه علمیه قم ــ به عنوان یکی از حوزه‌های ریشه‌دار وابسته به مکتب اهل بیت(ع) ــ میزبان طلبه‌های علوم دینی از بیش از ۱۰۰ کشور است. با وجود آن‌که طلابی که به این دانشگاه می‌آیند، غالباً از میان اهل سنت هستند برای تحصیل در حوزه‌ای شیعی با کمترین مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند، همچنان که این حوزه نیز در پذیرش طلابی از دیگر مذاهب و گرایش‌های فقهی مشکلی ندارد و فقه مذاهب چهارگانه اسلامی (اهل سنت) در کنار فقه امامی در آن تدریس می‌شود.
این تشریک مساعی فرهنگی و علمی تأثیر بسزایی در پیشرفت مراکز علمی اسلامی دارد.
وقتی کوشش‌های مختلف فرهنگی و علمی در یک چارچوب معین و غیرمتشنج با یکدیگر درهم می‌آمیزند، باعث غنی‌تر شدن و تکامل هر یک از آنها می‌شود. این تشریک مساعی‌ها به نزدیکی و آشنایی مذاهب مختلف با یکدیگر می‌انجامد و منجر به مبارزه در راه ابطال فتنه‌انگیزی‌های مذهبی می‌شود.
تشریک مساعی فرهنگی پدیده مبارکی در حیات این ملت است. باید آن را مورد حمایت قرار دهیم زیرا از بهترین ابزارهای درمان فتنه‌انگیزی‌هاست.
**پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

## انتقاد دکتر داوری اردکانی از وضعیت اخلاقی جامعه

و اینکه چرا پیش رفتن به سمت اخلاق دشوار است ما قصد داشتیم دنیای بسازیم که بر مبنای صداقت باشد ولی امروزه از در و دیوار دروغ می شنویم و زشتی می بینیم. رئیس فرهنگستان علوم یادآور شد: درست است که این موضوعات ظاهرا مسائل اخلاقی است و به فلسفه ارتباطی ندارد ولی اهالی فلسفه باید بپرسند چه عواملی مانع از اخلاقی بودن یک جامعه شده است.

وی ادامه داد: همه حرفهای خوب می زنند و از عدل، دین، مهر و دوستی سخن می گویند اما در عمل طور دیگری رفتار می کنند. این جدایی زبان از عمل ریشه در چه چیزی دارد؟ چرا حرف از دوستی می زنیم ولی از کینه توزی هم دور نیستیم چرا به آسانی دروغ می گوییم؟ چرا به نام دین و تقوا توهین می کنیم و از افترا بیم نداریم! هرچند افترا و تهمت در تاریخ بوده است ولی دروغ آنهم به نام دین و به پشتوانه آن کاری بس غیراخلاقی است. اینها مسائل جامعه امروز ماست که نمی توانیم نپرسیم و نمی دانیم چه بر سر ما آمده است.

وی گفت: در این نوشته به مرز سیاست نزدیک شدم اما به سیاست نپرداختم نمی توان در مورد مسائل جامعه بحث کرد اما به سیاست نپرداخت. با این که هیچ اظهار نظری در

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>سلفی‌ها و تکفیری‌ها مشکل جهان اسلام</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| <p>به دست ما غلط معنا شود. حتی اگر امروز حضرت عیسی (ع) حضور داشتند قطعاً جنگ بین کاتولیک و پروتستان وجود نداشت همانطور که ما معتقدیم در آخر الزمان صلح با ظهور حضرت حجت (عج) در میان ادیان حاکم خواهد شد. ما برای این که دین را به مسئله ارتقاء فضائل برگردانیم باید به قول سهراب سپهری دیده‌ها را بشویم.</p> <p>دکتر گواهی در پایان تأکید کرد: باید بین امت های دینی پیوند ایجاد گردد. بشر امروز با مشکلات زیادی روبروست و این در حالی است که علم به جای خدا نشسته است اما علم نمی تواند جایگزین خدا گردد و وظیفه ما و مسیحیان و همه ادیان این است که به این مسئله بپردازیم و اول ما باید در جهان اسلام وحدت ایجاد کنیم آن گاه با دیگر ادیان پیوند برقرار کنیم.</p> |

مبارزه با فتنه‌های فرقه‌ای و کوشش در جهت تقریب، تفاهم، همبستگی و همکاری میان مسلمانان در شمار اصول مسلم سیاسی، تمدنی و اقتصادی ماست و در چارچوب شکل‌گیری امت واحد اسلامی قرار می‌گیرد و بدون آن امت واحده‌ای که خداوند تعال آن را امت میانه و گواه بر دیگر خلق‌ها در نظر گرفته است، تشکیل نخواهد شد.
چیرگی ما در کارزار سیاسی، تمدنی، فرهنگی و نظامی وابسته به آن است و بدون چنین مبارزه‌ای پیروزی‌هایی که در روند حرکتمان به دنبال آنیم تحقق نخواهند یافت.
حرکت فرهنگی و علمی ما نیز بستگی به آن دارد زیرا جدایی‌های مذهبی و انزواجویی‌ها ــ برعکس دیدارها، همکاری‌ها و گفت‌وگوهای سازنده‌ای که به پیشرفت و تکامل علمی و فرهنگی در حوزه‌ها و دانشگاه‌های علمی ما منجر می‌شود ــ ضرورتاً به عقب‌رفت‌های فرهنگی و علمی می‌انجامد.

**تأکید بر یگانگی امت مهم‌ترین پادزهر فتنه‌های مذهبی در جهان اسلام است.**

**مبانی قرآنی این اصل چیست؟**

این معنا آشکارا در دُو آیه از قرآن مجید تصریح شده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونْ» (۳) این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرسید. «وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَتَّقُونْ» (۴) و در حقیقت این امت شماس‌ت که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم، پس از من پروا دارید. وحدت امت به معنای توافق و تفاهم بر اصول، هماهنگی و همکاری در مواضع سیاسی و وحدت یافتن در گرایش‌ها، دشمنی‌ها، اطاعت‌ها و یاری‌هاست.

**تشریک مساعی فرهنگی و علمی نخبگان، چه نقشی در غلبه یافتن جبهه فرهنگی خودی دارد و در تقویت این جبهه چقدر می‌تواند مؤثر باشد؟**

تشریک مساعی فرهنگی از جمله پیامدهای مذاهب

اینکه اخلاق چیست؟
فرق عالم جدید و عالم قدیم در چه موضوعاتی است.
از یک سو با تفکرات ارسطو در دوره رنسانس قدری مشکل داشتیم و از سویی دیگر می خواستیم بدانم در دوره جدید سیاست با اخلاق چه نسبتی دارد.

وی تصریح کرد: در واقع سیاست پاسخگوی اخلاق نیست نه اینکه سیاست ضد اخلاق باشد ولی نمی توان از سیاست توقع داشت از قواعد اخلاقی پیروی کند.
مطلبی دیگری که موجب نگرارش این کتاب شد این بود که در دهه ۵۰ کتابی نوشته بودم با عنوان «وضع کنونی تفکر در ایران» دوستی از من پرسید در این کتاب هیچ نشانه ای از امید وجود ندارد در واقع می توانم بگویم آن کتاب نوحه سرایی آدمی بود که در عالم انتزاعیات به سر می برد بعد انقلاب آن دوست پرسید نوشته های این دوره پر از شور و امید است و البته جواب من موجه بود و وقتی قرار باشد عالمی دوام پیدا کند سیاست بر مدار اخلاق بگردد دیگر جای نامیدی وجود ندارد در واقع باید جامعه دینی این گونه باشد هرچند که برآورده شدن این توقع بسیار دشوار است.
دکتر داوری تأکید کرد: در جهان کنونی و توسعه نیافته برقرار کردن نظم اخلاقی و بوجود آوردن سیاست اخلاقی کار آسانی نیست. قصد توجیه کردن دشواریها را ندارم

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>سلفی‌ها و تکفیری‌ها مشکل جهان اسلام</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| <p>بزرگترین مشکل ما در جهان چیست؟ درست است که استعمار جهانی بسیاری از مسائل را در پی داشته است اما مشکل اساسی جهان اسلام تکفیری ها، القاعده و طالبان هستند که بیشتر در افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه دست به کشتار می زنند و شیعه و سنی نیز برای آن ها فرق نمی کند. این یک نزاع درون گروهی است که در دیگر ادیان نیز وجود دارد. حتی در خود کره جنوبی درگیری بین مسیحیان کاتولیک و پروتستان بسیار مشهود است در هند هم این مسئله را بین هندوها و مسلمانان می بینیم و متأسفانه اخبار وحشتناکی در مورد کشتار مسلمانان به دست بودائیان در میانمار وجود دارد.</p> <p>وی افزود: دین برای ارتقاء فضیلت‌های انسانی و اخلاقی است اما دین که خود یک فضیلت و موهبت است می تواند</p> |

ماهورای و رسانه‌ها با انفجارها، خون، پاره‌های تن خون‌آلود، تهدید، آتش‌سوزی و تخریب قرین شد. شبکه‌های ماهورای طرفدار غرب می‌دانستند چگونه از این تصاویر برای خدشه‌دار ساختن چهره اسلام و جنبش اصیل اسلامی بهره‌برداری کنند.

**از منظر شما، غرب از سر کدام نیاز یا استیصال به تقویت این گروه‌ها روی آورده است؟**

گزارش‌هایی که مؤسسه‌های آماری غربی تهیه می‌کنند نشان از آن دارد که غرب رو به سوی اسلام آورده است و سال‌های آینده شاهد انتشار کمّی و کیفی گسترده‌ای از اسلام در غرب خواهیم بود. این حقیقتی است که کمترین تردیدی حتی از سوی افراطی‌ترین سازمان‌های غربی ضداسلامی در آن وجود ندارد. ما نیز تردیدی نداریم که موج خشونت، بمب‌گذاری و کشتار بر این روند تأثیر منفی گذاشت. همچنان که شکی نداریم سازمان‌های ضداسلامی در انتشار این چهره تروریستی و خونین از اسلام در غرب مشارکت فعالی دارند.

ما بر این باوریم که اسلام هم دین قدرت و هم دین رحمت است و با آنهایی که اسلام را تنها دین رحمت می‌دانند و معتقدند اسلام می‌تواند تنها با پند و اندرز و فرهنگ‌سازی کانون‌های فساد، شر و استکبار را از میان ببرد، مخالفیم و معتقدیم قدرت از برجسته‌ترین ویژگی اسلام در کنار رحمت و رحمت آن برخاسته از قدرت آن است، ولی قدرت و اقتدار چیزی است و تروریسم و انفجارهای کور چیز دیگری. تردیدی نداریم حرکت تکفیری طی سال‌های اخیر تصویر بسیار خدشه‌داری از اسلام را ارائه داد و آسیب‌های جدی به پیشرفت این دین وارد ساخت و در این راه سازمان‌های ضداسلامی و ماهواره‌هایی که به انحای مختلف در خدمت این سازمان‌ها هستند به آن کمک کردند.

**فتنه‌های فرقه‌ای را چگونه می‌توان علاج کرد؟ راه‌حل عینی و برجسته شما در این باب کدام است؟**

نشست نقد و بررسی کتاب «اخلاق در عصر مدرن» نوشته رضا داوری اردکانی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

دکتر رضا داوری در این نشست گفت: عنوان کتاب را ناشر اختیار کرد معمولاً ناشران در اختیار عنوان ذوق بیشتری به خرج می دهند اما از نظر من این کتاب اخلاق در قرن مدرن نیست. البته برای برخی از مطالب این کتاب می توان این عنوان را برگزید. ولی برای همه مطالب عنوان اخلاق در عصر مدرن مناسب نیست.

وی افزود: مسئله من این بوده که آیا فلسفه از عمل جدا می شود؟ نظر و عمل چه نسبتی با هم دارند؟ فلسفه با عمل چه نسبتی دارد؟ آیا عمل آنچه صورت می گیرد نیست با این رویکرد پس آن چه واقع می شود با فلسفه چه نسبتی دارد؟ وی درباره علت اهمیت حکمت عملی گفت: فلسفه امروز نمی تواند از حکمت عملی جدا باشد. نمی دانیم در دنیای امروز چه می کنیم و چه بر سر ما می آید فلسفه باید کمک کند و ببینیم در چه راهی هستیم چرا که بحثهای انتزاعی به تنهایی نمی تواند راه به جایی ببرد. استاد دانشگاه تهران یادآور شد: وقتی وارد بحث عمل و سیاست اخلاق می شویم سوالهایی ایجاد می شود از جمله

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>سلفی‌ها و تکفیری‌ها مشکل جهان اسلام</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
| <p>رئیس مرکز پژوهش ادیان جهان در نشست دینی مرکز گفت و گوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفت: دین برای ارتقاء فضیلت های انسانی و اخلاقی است اما دین که خود یک فضیلت و موهبت است می تواند به دست ما غلط معنا شود.</p> <p>دکتر عبدالرحیم گواهی رئیس مرکز پژوهش ادیان جهان طی سخنانی با اشاره به نقش سازنده دین در ارتقاء فضیلت های اخلاقی گفت: از آن جا که عقل انسان متغیر است فضیلت هم بی ثباتی خواهد داشت. سابقه تاریخی ادیان این را نشان نمی دهد که همواره در راه ارتقاء فضیلت ها کار کرده ایم بلکه گاهی ادیان با هم جنگ کرده اند چه جنگ درون دینی چه جنگ بین ادیان.</p> <p>وی با اشاره به وضعیت کنونی جهان تصریح کرد: الان</p> |

استکبار جهانی به‌طور آشکار و نهان این جنبش را در برانگیختن فتنه‌های مذهبی حمایت می‌کند. ما دلایل فراوانی در تأیید این پشتیبانی به‌ویژه در عراق داریم. امریکا، اسرائیل و دیگر کشورهای استکباری برای تحقق اهداف خود فرصتی بهتر از این نخواهند یافت. این حرکت‌ها مسلمانان را مشغول می‌کند و آنها را از طرح‌های سیاسی، انقلابی، فرهنگی و جهادی بزرگی که رو به سوی آنها دارند بازمی‌دارد و آتش فتنه را شعله‌ور و آنان را تضعیف می‌کند و اختلاف‌های آنها را تعمیق می‌بخشد، چنانکه اتحاد آنان برای مبارزه با نفوذ مستکبران در جهان اسلام و تشکیل امت واحد و تحقق اهداف سترگی را که این امت به دنبال آنهاست ناممکن می‌سازد. برای اثبات این حقایق کافی است به کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی در ایران و ورود شیعیان به معادله سیاسی در عراق نگاه کنیم. تنها قرائت صفحاتی از این کتاب‌ها برای پی بردن به ردپای کشورهای استکباری و مؤسسات جاسوسی و اطلاعاتی امریکا، انگلیس و اسرائیل در برانگیختن این فتنه‌ها کفایت می‌کند.

۲- امکان نفوذ کشورهای استکباری در جهان اسلام.از میزان نفوذ سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی در جنبش‌های تروریستی تکفیری معاصر اطلاعی ندارم، ولی می‌دانم این جنبش از بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، کار امریکا را برای حمله به افغانستان و عراق، اشغال این دو کشور، ورود ناوگان امریکا به منطقه و گسترش حوزه رژیم‌های میانه‌رو! در خاورمیانه و آفریقا، به گفته وزیر خارجه امریکا بسی آسان و امکان نفوذ امریکا بر گستره بزرگی از جهان اسلام را فراهم کرد. اگر بهانه مبارزه با تروریسم نبود، امریکا امکان چنین گسترش وسیعی را پیدا نمی‌کرد.

۳- این جنبش در تیره ساختن چهره اسلام و جنبش اسلامی معاصر در جهان نقش گسترده‌ای را ایفا کرد. تصویر اسلام و جنبش اسلامی معاصر در شبکه‌های

| سیاسی - اجتماعی - فرهنگی                                   |
|------------------------------------------------------------|
| <b>۱۰ بهشت</b> <p>◄ <span>شماره ۱۰</span> ►</p>            |
| <b>جهان اسلام</b> <p>◄ <span>شماره مسلسل ۱۴۵۷</span> ►</p> |
| <b>پست الکترونیکی</b> : besatonline@gmail.com              |

دیدبان: با ورود انقلاب بحرین به سومین سال متوالی، برخی از تحلیل‌گران سیاسی از میزان مقاومت این مردم در برابر شیوه‌های مختلف سرکوب آمریکایی و سعودی که در این کشور اعمال می‌شود به تعجب واداشته شده‌اند. در حقیقت اکنون مردم بحرین در برابر پیشرفته‌ترین شیوه‌های عملیات روانی و جنگ روانی به همراه آخرین دستاوردهای تکنولوژی سرکوب که توسط آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها تولید شده است مقاومت نشان داده‌اند و مقاومت آنها در برابر این شیوه‌ها شکسته نشده است. رژیم آل خلیفه به صورت علنی دست به واردات انواع شیوه‌های شکنجه و انواع شکنجه‌گران از آمریکا و عربستان سعودی زده است اما هنوز موفق نشده است که مقاومت این ملت را بشکند و بر اراده آنها پیروز شود. آنچه در پی می‌آید تنها اشاره‌ای به برخی از شیوه‌های به کار گرفته شده توسط رژیم آل خلیفه و حامیان آمریکای و انگلیسی آنها برای شکستن مقاومت مردم بحرین است. شیوه‌هایی که شاید هر کدام به تنهایی می‌توانست مقاومت مردمی که اعتقادات دینی مستحکمی نداشته باشند را در هم بشکند و انقلاب آنان را دچار سردی و خاموشی کند. اما مردم بحرین هنوز در سومین سال انقلاب خویش محکم و استوار ایستاده‌اند. اولین شیوه به کار گرفته شده توسط رژیم سرکوبگر آل خلیفه وارد کردن سرکوبگران خارجی است. رژیم آل خلیفه رسماً از ارتش عربستان خواسته است که برای سرکوب مردمش به این کشور وارد شوند و این یکی از نمونه‌های فضاخت بار درگیر شدن با مردم با کمک نیروهای خارجی است. وارد شدن نیروهای نظامی یک کشور به کشور دیگر معمولاً تعبیر به اشغال می‌شود ولی وقتی حاکمانی وطن فروش از سرکوبگرانی خارجی می‌خواهند که برای سرکوب مردمشان وارد این کشور شوند، این عمل به قدری شنیع و غیر قابل باور است که هنوز نامی برای آن در عرصه سیاسی و بین‌المللی ایجاد نشده است.

استفاده از این شیوه سرکوب که توصیه آمریکایی‌ها به حاکمان دست نشانده بحرین بوده است از این روست که ارتش خارجی کمتر دچار رقت قلب و عذاب وجدان خواهد شد و در سرکوب مردم کشور دیگر خشونت و جنایت‌کاری بیشتری از خود نشان خواهد داد. خصوصاً

آیا روسیه باید به عربستان سعودی حمله کند؟

این از آن دسته سوال‌های احمقانه نیست. از این گذشته، امریکایی‌ها همواره به دیگران حمله می‌کنند، مگر اینطور نیست؟

افزون بر این، اسرائیلی‌ها همیشه در فلسطین دست به ترور و استفاده از گاز فسفر و نسل‌کشی می‌زنند. (اگرچه آنان هیچگاه فعالیت‌های خود را تنها به فلسطین محدود نمی‌کنند.)

البته نباید در این بین انگلیس و فرانسه را فراموش کنیم که دوست دارند در هر کجای ممکن اندکی خشونت به بار آورند. اینها همان بچه‌های شروری هستند که شنبه شب‌ها چوب و چماقشان را بر می‌دارند و به خیابان می‌روند و کسانی که به لحاظ جسمی از خودشان ضعیف‌تر هستند به باد تنک می‌گیرند.

و موضوع اساسی دقیقاً همین است. همیشه، آمریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه به مردم و کشورهایی حمله می‌کنند که از نظر خودشان در جایگاهی نیستند که بتوانند با آنان مقابله کنند. اینها بزدل‌هایی هستند که هیچگاه جرات نبرد با هم قَدّ و اندازه خود را ندارند.

البته یک بزدل دیگر نیز وجود دارد، عربستان سعودی که می‌خواهد آمریکا به ایران (که هرگز به کسی تعرض نکرده است) حمله کند، چرا که در واقع خوداز انجام این کار می‌ترسد. در درون مکانی موسوم به «سرزمین سعودی‌ها» (یعنی ملک خصوصی خاندان آل سعود) یک رژیم استبدادی مطلق حاکم است که هیچگونه مشروعیت سیاسی ندارد

اگر این ارتش از نیروهای نظامی آموزش دیده برای خشونت و جنایت انتخاب شوند، چنان که ارتش سعودی تلاش می‌کند نیروهایی را برای سرکوب مردم به بحرین بفرستد که همه مردم بحرین از شیعه و سنی را کافر بدانند و هر جنایتی را علیه آنها مجاز بدانند.

نکته جالب این است که در سوریه همین نظام آمریکایی –عربستانی کاملاً عکس این شیوه را عمل می‌کند و چون مردم سوریه حاضر به مبارزه با حکومت خود نیستند و معارضان حکومتی با کمبود نیروی جنگی مواجه هستند به این کشور تروریست‌صادر می‌کنند، یعنی نیروهایی جنایتکار که همه مردم و نیروهای سوری را کافر می‌دانند و از این رو حاضر به هر جنایتی علیه مردم سوریه هستند.

دومین نکته در سرکوب مردم بحرین که توسط رژیم سفاک آل خلیفه در پیش گرفته شده است استفاده از آخرین دستاوردهای آمریکایی تکنولوژی سرکوب و شکنجه در برخورد با مردم است که در زیر به برخی از این شیوه‌ها که در بحرین به طور وسیع به کار گرفته شده است اشاره می‌شود.

آمریکایی‌ها با بیش از ۶۰ سال سابقه شکنجه و سرکوب مستمر و حرفه‌ای در کشورهای مختلف از آخرین دستاوردهای خود برای شکستن اعتصاب در گوانتانامو رومبایی کردند. در این شیوه افراد را به زور مجبور به مصرف غذا می‌کنند، و موفقیت این شیوه از آن روست که علاوه بر شکستن اعتصاب غذا خود نوعی شکنجه دردآور و زجر آور نیز محسوب می‌شود. در این شیوه با بستن کامل زندانی به تخت و یا صندلی خاص با دستگاهی از طریق بینی به او غذا و یا داروهایی که برای ایجاد تاثیر بیشتر شکنجه‌های روانی لازم است را می‌خورانند. اخیراً برخی از مقامات آمریکایی در بازدید رسمی از گوانتانامو به صراحت از شیوه‌های مختلف اعتصاب شکنی و غذادهی اجباری دیدار کردند و سخن گفتند. رژیم بحرین در چند ماه اخیر از این شیوه برای شکستن اعتصاب زندانیان بحرینی استفاده می‌کند.

آمریکایی‌ها با بیش از ۶۰ سال سابقه شکنجه و سرکوب مستمر و حرفه‌ای در کشورهای مختلف از آخرین دستاوردهای خود برای شکستن اعتصاب در گوانتانامو رومبایی کردند. در این شیوه افراد را به زور مجبور به مصرف غذا می‌کنند، و موفقیت این شیوه از آن روست که علاوه بر شکستن اعتصاب غذا خود نوعی شکنجه دردآور و زجر آور نیز محسوب می‌شود. در این شیوه با بستن کامل زندانی به تخت و یا صندلی خاص

با دستگاهی از طریق بینی به او غذا و یا داروهایی که برای ایجاد تاثیر بیشتر شکنجه‌های روانی لازم است را می‌خورانند. اخیراً برخی از مقامات آمریکایی در بازدید رسمی از گوانتانامو به صراحت از شیوه‌های مختلف اعتصاب شکنی و غذادهی اجباری دیدار کردند و سخن گفتند . رژیم بحرین در چند ماه اخیر از این شیوه برای شکستن اعتصاب زندانیان بحرینی استفاده کنند.

یکی از شیوه‌های خاص شکنجه اسراییلی‌ها علیه مردم فلسطین تمسک به شیوه‌های اهانت‌بار علیه زنان فلسیطینی و استفاده از نگرانی مردم فلسطین از این امر بوده و هست. صهیونیست‌ها برای آنکه مقاومت فلسطینی‌ها در مناطق مختلف را بشکنند از شیوه‌ها اهانت آمیز نسبت به نوامیس مردم و خصوصاً زندانیان مبارز استفاده می‌کنند. حداقل این شیوه‌ها برهنه کردن زندانیان و اهانت‌های دیگری است که باعث شود مسلمین مبارز دست از مقابله با این رژیم بردارند.

ظاهراً در آموزش‌های اخیر آمریکایی‌ها به رژیم آل خلیفه چنین آموزش در دستور کار قرار گرفته است و از این رو شاهد آن هستیم که رژیم سرکوبگر آل خلیفه در زندان‌ها و بازداشت‌گاهها علیه زنان زندانی دستگیر شده از چنین شکنجه‌هایی بهره می‌برند. هدف از این شیوه‌ها آن است که مردم بحرین از ترس ناموس خود با نگرانی از چنین تعرضاتی دست از مبارزه با خاندان خائن آل خلیفه بردارند.

وارد کردن سرکوب به خانه‌ها و شیوه هجوم به محل زندگی مردم و سرکوب کور از شیوه‌هایی اخیریی است که رژیم آل خلیفه در جهت خسته کردن مردم و ایجاد ناراحتی عمومی در آنها استفاده می‌کند. هدف از ایجاد این ناراحتی عمومی آن است که مردم را در برابر هم قرار دهد. در طول چند ماه اخیر رژیم آل خلیفه شبانه به مناطق مختلفی از مناطق مسکونی مردم بحرین حمله و خانواده‌های مختلفی را به صورت کور مورد حمله شبانه قرار می‌دهد و به بهانه این که در این منطقه مبارزانی حضور دارند مردم را مورد ضرب و شتم و حمله با گازهای سمی قرار می‌دهد هدف از این روش آن است که نارضایتی عمومی باعث شود که مردم علیه یکدیگر بایستند و گروهی از مردم که از حمله شبانه به خانه‌ها و محله‌هایشان می‌ترسند در برابر انقلابیون و مبارزین بایستند و به این شیوه یک مانع اجتماعی در برابر مبارزین ایجاد شود.

از عجیبترین و احمقانه‌ترین شیوه‌های سرکوب که توسط رژیم آل خلیفه به صورت مداوم به کار گرفته

## آمریکایی‌ها به شکنجه‌گران بحرینی چه آموزش می‌دهند؟

می‌شود سلب تابعیت از مخالفان خویش است. در این شیوه رژیم آل خلیفه هر بحرینی را که به مخالفت با این رژیم برخیزد را سلب تابعیت می‌کند و آنگاه مدعی دخالت افراد خارجی در امور داخلی بحرین می‌شود. به حدی در آخرین اطلاعیه‌های حکومت نظامی بحرین علیه مردم چنین آمده است که از مجازات‌های افرادی که در تظاهرات دستگیر شوند سلب تابعیت خواهد بود.

رژیم آل خلیفه با این تصور که حسینه‌ها و مساجد و دیگر مراکز مذهبی محل سازماندی مخالفت با آنها هستند به این مراکز هجوم برده و نسبت به تخریب آنها اقدام می‌کنند. تصور باطل این رژیم سرکوبگر آن است که از میان بردن مکان فیزیکی این نهاد‌های مقدس باعث صلحه به بدنه مقاومت مردمی و مبارزه خواهد شد. همانطور که تصور می‌کردند با تخریب میدان لوء لوء می‌توانند مبارزات را پایان دهند.

از شیوه‌های دیگر رژیم آل خلیفه در سرکوب مردم بحرین وارد کردن شکنجه‌گران خارجی متخصص برای مبارزه با مردم است. شکنجه‌گران حرفه‌ای به صورت سازمان یافته و دوره دیده دست به شکنجه می‌زنند و تصور این رژیم آن است که اهداف رژیم با رجوع به این متخصصان آمریکایی –انگلیسی بهتر تامین می‌شود.

شیوه دیگر سرکوب مردم بحرین توسط رژیم آل خلیفه و متحدان غربی‌اش استفاده از روش جنگ نرم و بایکوت رسانه‌ای و حمایت کامل از این رژیم در برابر مردمش است. در حالی که رژیم آل خلیفه همانند رژیم سعودی از منفورترین نظام‌های حکومتی و ضد مردمی‌ترین و منحط‌ترین شیوه‌های حکومتی خاندانی در جهان و منطقه هستند، دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب آنها را متحدانی کاملاً دموکراتیک که برای ایجاد دموکراسی در منطقه به آنها نیاز است جلوه می‌دهند. به راستی عربستان و قطر که از محورهای اصلی حمایت از تروریست‌های جنایتگر در سوریه هستند و از حامیان اصلی حکومت بحرین محسوب می‌شوند چه رابطه‌ای با دموکراسی ادعایی غرب و به خصوص آمریکا دارند؟

همه این اسلوب‌های تذبذب و شکنجه و سرکوب اکنون مدتهاست که به سال سوم خود وارد شده‌اند اما مردم بحرین مقاومت می‌کنند. مردمی که جان خود را به کف گرفته‌اند و در برابر رژیم سرکوبگر و ضد انسانی و حامیان بین‌المللی آن ایستاده‌اند و جز خدا پناهی ندارند و در میان خلق خدا نیز غیر از معدودی از ملت‌ها بیدار منطقه به خصوص ملت شریف ایران پشتیبان و فریاد رسی ندارند.

## اسرائیل و عربستان سعودی از جنگ در سوریه سود می‌برند

شکست سوریه را نیز،در، عربستان سعودی تروریست‌های چچن را برای به راه‌اندازی کشتاری خونین در جریان بازی‌های المپیک زمستانی در اوایل سال ۲۰۱۴ آزاد خواهد کرد. نکته اصلی آن است که بندر به این نکته اشاره کرد که تروریست‌های چچن را مانند آنچه وی درباره تکفیری‌ها و سلفی‌های سوریه ادعا می‌کند، تحت تسلط دارد. او در ادامه گفت که عملیات چچن‌ها در سوریه یک ابزار فشار بود که می‌توانست خاموش و روشن شود. بندر گفت: «این گروه‌ها ما را نمی‌ترسانند. ما در مواجهه با رژیم سوریه از آنان بهره می‌گیریم اما این افراد در آینده سیاسی این کشور هیچ نقشی ندارند.»

اما این پایان گفته‌های بندر نبود. مردی که هیچ اصلی جز خشونت و رشوه‌خواری نمی‌شناسد وعده داد چنانچه رژیم اسد سرنگون شود امنیت پایگاه دریایی روسیه را تضمین خواهد کرد، وی همچنین برای حراست از قراردادهای گازی روسیه نیز پیشنهادی درخور توجه مطرح کرد.

اما پوتین به وی گفت که گورش را گم کند. این آدم بزدل چه کسی بود که سعی داشت برای روسیه تعیین تکلیف کند؟ این انسان فرومایه که بود که سعی داشت پیشنهاد رشوه بدهد؟

شاید این فکر از ذهن رئیس‌جمهور پوتین نگذشته باشد اما اگر کشورهایی مانند آمریکا، رژیم اسرائیل، انگلیس و فرانسه می‌توانند همواره به کشورهای ضعیف‌تر از خود تعرض کنند، چرا روسیه نباید چنین کاری انجام دهد؟

**پرس تی وی – راندی شکسپیر**

## معاون فرهنگی مسجد جمکران:

## مراجع عظام برای چاه مسجد

## جمکران موضوعیتی قائل نیستند

اخیرا برخی به نیت وهن شیعه تصویری جعلی به صورت فتوشاپ در فضای اینترنت درباره چاه عریضه مسجد جمکران قرار داده اند که موجب سؤالاتی در این باب شده است که حجت الاسلام مرتضی وافی معاون فرهنگی مسجد جمکران طی گفتگویی با خبرنگار مهر، با جعلی خواندن این تصاویر، به برخی سؤالات پیرامون چاه جمکران پاسخ گفته است که در ذیل می آید:

## این رسم عریضه نویسی و نامه نگاری به امام زمان (عج) از چه تاریخی در مسجد جمکران باب شده است؟

حجت الاسلام وافی: از زمانی که این مسجد بنا شده است و از زمانی که گذشتگان به ما نقل کرده اند؛ بحث عریضه نویسی هم وجود داشته است و سابقه عریضه نویسی در مسجد جمکران به گذشته برمی گردد و گذشتگانی که در مسجد از خادمان و دست اندرکاران بودند همیشه این مسئله را تأیید کردند که این اتفاق می افتاده است. اما درباره اصل عریضه نویسی به عنوان یکی از راههای توسل و ارتباط با حضرت ولی عصر(عج) در اسناد دینی ما و در متون علما و بزرگان ما و در منابع شیعی این مسئله وجود دارد و کتابی نیز درباره آداب عریضه نویسی و متون اصیلی که به مکاتبه با حضرت ولی عصر(عج) اشاره دارد، توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران چاپ شده است.

## آیا این عریضه نویسی و مکاتبه با حضرت ولی عصر(عج) منافاتی با توسل به ساحت حضرت حق و نگرش توحیدی ما دارد یا خیر؟

ما معتقدیم که توسل به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) که یکی از آنها همین عریضه نویسی و مکاتبه است به عنوان یکی از راههای توسل، به اذن خدای متعال است و اینها طریق الی الله و سبیل الی الله و باب الله هستند و لذا اصل نگرش توحیدی در جای خودش در اینگونه توسلات محفوظ است. ما در دعای توسل هم می گوئیم «یا وجیها عندالله» چون تو آبرو نزد خدا داری «اشفع لنا عندالله» تو واسطه شد نزد خدا. و این نیست که ما این بزرگان را در عرض خدای متعال ، خدای نکرده قرار دهیم.

## آیا این نگرانی وجود ندارد که برای این چاه یک قداست و ویژگی خاصی تعریف شود؟

برای رفع این نگرانی ما تالیپویی را در محدوده چاه نصب کرده ایم و در این تابلو نوشته شده است که این چاه هیچ موضوعیت و قداست خاصی ندارد. یعنی این عریضه نویسی در هر نهر و هر آب جاری می تواند اتفاق بیفتد برای کسی که می خواهد این راه توسل را با حضرت ولی عصر داشته باشد. خود ما هم مواظبیم که زیاده روی در تکمیل فضا و بنای این چاه عریضه و تبلیغ بی مورد و تشویق و ترغیب زائران به این عریضه نویسی از سوی مسجد و متولیان مسجد اتفاق نیفتد که تا کنون هم اتفاق نیفتاده است.

## علما و بزرگان و مراجع دینی چه نظری در باره عریضه نویسی دارند؟

البته طی استفتائاتی که از مراجع عظام و بزرگان و علما صورت گرفته است آنها هم برای چاه عریضه موضوعیتی قائل نیستند اما اصل عریضه نویسی را قبول دارند اما اینکه در جمکران بنا باشد اتفاق خاصی بیفتد را رد می کنند. بحث عریضه نویسی یک حرکت نمادین و مستند به رفتارهای اصیل دینی است و ما باید مواظبت کنیم که حواشی آن اتفاقاتی نیفتد که تاکنون چنین چیزی نبوده است و اگر بدانیم این مسئله اسباب سوء استفاده برخی و بروز و ظهور روشهای انحرافی و غلط ترویج می شود قطعا با اصل مسئله (عریضه نویسی در چاه جمکران) - که چیز خاصی را به وجود نمی آورد - برخورد خواهیم کرد.

## چرا باید تاریخ امروز جهان اسلام را بنویسیم؟

## حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان

فرقه ای رخ داد، تاریخش را این جوری متعصب نوشت و به رغم آن که ابن اثیر تا حدودی تاریخی تر می نگریست، اما در دام همان گفتن بحث ها را ادامه داد. بعدها همین ادبیات به ابن کثیر متعصب و حبلی هم سرایت کرد و بیش از پیش آیش کردند.

حالا تصور کنید وقتی چندین کتاب دوره ای و چند جلدی از رویدادهای یک دوره علیه شیعه نوشته می شود، در حالی که در همین دوره، علما و مورخان شیعه هیچ کتابی نوشته و حقایق را حتی نسبت به مصایبی که بر سر شیعه رفته است بازگو نکرده اند، چه انتظاری از پژوهشگران و تحلیل گران حوزه تاریخ در امروزه روز برای ارزیابی آن دوره تاریخی و سهم هر کدام از فرقه ها در آن آشفتنگی ها وجود دارد؟ حالا چه کسی بر اساس این متون می تواند تشخیص دهد که حق با چه کسی بوده، چه جریانی در حق دیگران اجحاف می کرده، و چطور یک اقلیت پایمال جریان اکثریت شده است.

داستان در باره رخداد سقوط بغداد نیز چنین است. تاریخ نگاران متعصب، در یک دوره صد سال، هر آنچه خواستند علیه ابن علقمی و خواجه نصیر نوشتند، اما هیچ کس از سوی شیعه، تفصیل این وقایع را ننوشت بود تا مبنای تحلیل های امروزه قرار گیرد. به همین دلیل، اکنون، حتی اگر کسی بیمار هم نباشد، وقتی آن متن های تاریخی را می خواند، ترجیح می دهد تا شیعیان را مقصر قلمداد کند. نمونه ای از این تحلیل ها را امروزه، نویسندگان القاعده ای و متعصب هر روز تحریر می کنند و به انواع و اقسام صور در آثار مختلف می آورند و روی جامعه خود تاثیر می گذارند و آن را تحریک می کنند.

در باره نقش فاطمیان در جنگهای صلیبی نیز چنین است و جز تا این اواخر به صورتی مختصر مرحوم سید حسن امین به نگارش آثاری در این باره پرداخت کسی به صورت جدی از میان شیعیان، نه در قدیم و نه جدید، این مبحث را مورد توجه قرار نداده بود. اثر قدیمی که اثر وجود ندارد تا این حقایق را بیان کرده باشد.

اکنون خواسته ما چیست؟ خواسته این است تا تاریخ معاصر که بر جهان اسلام می رود نگاشته شود. تاریخ تحولاتی که در عراق و سوریه و لبنان در جریان است به

رویدادهای بغداد قرن چهارم با بغداد دهه اول قرن پانزدهم هجری چه اندازه مشابه است؟ تاریخ آن دوره را چه کسانی نوشتند و حق چه کسانی را ضایع کردند؟ تاریخ امروز تحولات دنیای اسلام را چه کسانی خواهند نوشت؟ ما چه سهمی در نگارش آنها خواهیم داشت؟ آیا مانند اسلاف خود در این زمینه کوتاهی خواهیم کرد؟ ...

تجربه تاریخ نویسی در دنیای اسلام از یک طرف، و حضور جریانهای پیوسته و مشابه در مقابل هم در طول یک هزار و چهار صد ساله از طرف دیگر و همچنین کارکردهای مشابه احزاب و سازمان ها و فرقه های مذهبی در جهان اسلام شرایط تاریخی و رویدادهای مشابهی را در دنیای اسلام در طول این قرون فراهم کرده است. البته رویدادهای منحصر به فرد نیز فراوان است که تشابهی با سایر رخدادها ندارد، اما در مقابل، رویدادهای مشابه، نشأت گرفته از احزابی با هویت های نسبتا پایدار در طول تاریخ فراوان است.

مقایسه آنچه در بغداد قرن های چهارم و پنجم هجری رخ داده، و داستانهایی از منازعات فرقه ای میان شیعیان و سنیان که این جوری در المنتظم و به پیروی از وی ابن اثیر در کامل و ابن کثیر در البدایه و النهایه و ذهبی در تاریخ الاسلام داده اند، با آنچه که امروزه پس از هزار سال در بغداد رخ می دهد، و روزانه بین بیست تا یک صد نفر از مردم عادی از شیعیان در کوچه و بازار کشته می شوند، یک نمونه کامل از مشابهت های تاریخی است. حتی سقوط بغداد از سوی مغولان با سقوط بغداد به دست نیروهای امریکایی هم تا حد زیادی مشابهت دارد.

در باره نبردهای صلیبی علیه اسلام و نقش فاطمیان و شیعیان در مقابله با آنها و آنچه که در این زمینه از سوی ممالیک و دیگران در جریان بود، باز با آنچه امروز میان حزب الله و اسرائیل و القاعده می گذرد شباهت های ویژه خود را دارد.

اما در اینجا بحث بنده از مشابهت رویدادها نیست، بحث بر سر تاریخ نگاری این رویدادها و این است که این تحولات را چه کسی می نگارد، درست در کنار این پرسش که آن تحولات قدیم را چه کسانی با چه بینشی نگاشتند؟ زمانی که ماجراهای بغداد زمان آل بویه و منازعات

## اهدای اعضای بدن جوان ۲۸ ساله بابلی به چندین نفر جان دوباره بخشید



جوان ۲۸ ساله بابلی که در اثر حادثه تصادف دچار مرگ مغزی شده بود با اهداء اعضای بدنش به چندین نفر زندگانی دوباره بخشید

نگاه مرد تا انتهای راهرو کشیده شد و در دورترین مکان متوقف گردید. وسعت تنهائیش در کاسه ادراک نمی گنجید و غم از دست دادن تنها پسرش او را به

گذشته های نه چندان دور سوق می داد.

تکرار سوال من او را به زمان حال کشاند سخنان را به سختی ولی با یقین بیان می کرد. برای شروع صحبت از کلام حق مدد گرفت و با لرزشی شعف گونه گفت: «انا لله و انا الیه راجعون» تاللو خاطرات رهایش نمی کرد آنها در این واپسین لحظات ؛ لحظاتی پر وسوسه اما خالی از امید به بازگشت عزیز از دست رفته و او به اجمال از ۲۸ سال زندگی تنها پسرش می گوید: محمد وکیل بود و در این خصوص دقت خاصی داشت. این بار هم برای اجرای کار موکل خود و هم برای زیارت امام رضا(ع) عازم مشهد مقدس شد ولی دربارگشت، غروب زندگی چشمان مهرانش را بر این دنیا بست اما نتوانست پایان بخش نگاه بخشنده اش باشد، نگاهی که فروغی ابدی را با خود خواهد داشت. پدر از زندگی، از مهربانی و از ایثار فرزندش می گوید و از تنها بازمانده او... و درنهایت می افزاید فرزندم ثابت کرد شغل و کالت با دیانت قابل جمع است و یک وکیل می تواند هم وکیل خوبی باشد و هم متدین باشد و این دو با هم هیچ منافاتی نداشته و قابل جمع هم هستند.

هنوزهم با تردید نگاهش می کردم، سوالی آرام در

ذهنم نقش بست آیا بعد از این ... پشیمانی...؟ و او همانطور که نگاهش به درب اتاق عمل دوخته شده بود بسیار محکم ادامه داد کاری که انجام شد خواست پسرم بود، در واقع ما مالک چیزی نیستیم و هر چه هست متعلق به اوست. من خوشحالم اگر پسرم ، جگرگوشه ام نیست اما قلب مهرانش جایی دیگر در حال

تپیدن است. به من گفته اند ۴ نفر دیگر را هم می توانند احیاء کنند و من امیدوارم دریافت کنندگان این هدایا؛ پاسخگوی فرصت دوباره ای که خداوند به آنان داده است، باشند. چهره اش آرام شده و زمزمه «اللهم تقبل منا هذا القربان» را از او می شنوی ، بی شک محمد جوان دست به افتخار آفرینی دیگری زده و باز هم سبب سرافرازی و سربلندی پدر و خانواده اش شده بود.

برگشتم تا سوالی دیگر ببرسم و لی پدر در پرتو جذبه ای روحانی به سوی پسر می رفت تا آخرین وداع یک پدر را با تمامی خواهشهای پدرانه به تصویر کشد. لازم به ذکر است با اعلام مرگ مغزی زنده یاد «محمد مهدی یزدان پور» جوان ۲۸ ساله و وکیل پایه یک دادگستری توسط تیم پزشکی بیمارستان شاهرود؛ اولین گزینه خانواده محترم و بزرگوار وی بخشیدن لبخند دوباره زندگی به دیگران بود. در همین راستا نیز بیمارستان سینا هماهنگیهای لازم جهت انتقال پیکر شادروان یزدانپور به این مرکز را انجام داده و روز سه شنبه ۲۹ مردادماه سال ۹۲ به همت واحد گرد آوری اعضای بیمارستان سینا و تیم پزشکی این مرکز آماده اهدای زندگی به دیگران و تولدی دوباره شد.

درستی تحریر شود. اکنون مورخان سعودی و القاعده ای، تمام حماسه های حزب الله برابر اسرائیل را سیاه نشان داده و بازی می داند و شهادت آن هم جوان از خود گذشته را برای راندن صهیونیست ها از سرزمین های اسلامی ارج نمی گذارند. این همان کاری است که با نقش شیعیان در مواجهه با صلیبان کردند. درست در روزگاری که عمده حکومت ها در کشورهایی چون قطر، امارات، سعودی، اردن، مغرب، تونس، الجزایر و مصر در کنار امریکا و غرب قرار دارند، باز هم مورخان وابسته به جریان سلفی، شیعیان را سرسپرده غرب دانسته و آنان را بدتر از غربی ها تلقی کرده و قتل عام می کنند. طی این سالها، روزی نیست که در بغداد، بمبی در مسجدی، بازاری، قهوه خانه ای از شیعیان منفجر نشده و روزانه دهها نفر کشته نشوند. تاریخ این وقایع را چه کسی خواهد نوشت؟ در مقابل، مناسبات شاهانه سعودیها به عنوان خادم حرمین با امریکاییها و غربی ها، خرید سالانه میلیاردها دلار سلاح که سبب تقویت اقتصاد غرب شده اند همه مورد غفلت قرار می گیرد. اصلا چه کسی است که نداند امارات توسط انگلیسی ها و غربیها اداره می شود و تمام مدیریت آنها فرنگی و غربی و با حمایت آنهاست. در اینجا چند نفر به نمایندگی آنها منطقه را برای آنان حفظ می کنند. پول به طالبان می دهند تا شیعیان و صوفیان و سنیان معتدل را بکشند اما در کشور خودشان در امارات و قطر و سعودی خون از دماغ کسی نیززد.

اسباب تاسف است که عراق با آن همه آب و آبادی نابود شود اما سعودی خشک و بی آب و علف، سرسبز بماند. اگر دوباره دیر بجنبیم تاریخ این دوره را هم همین ها خواهند نوشت و صد یا صدها سال دیگر باز همان آش است و کاسه. دوباره خواهند گفت همین رافضی ها بودند که با غربی ها ساخته اند و گویی تمام مخالفان آنها، اهل مبارزه و جهاد بوده اند.

باید در این زمینه بدور از تعصبات قومی و طایفه ای و واقع بینانه تاریخ را نوشت. یک تاریخ علمی که شبیه آنچه ابومخنف و هشام کلبی از جنبشهای شیعی صدر اسلام نوشتند، تاریخ واقعی آن دوره را منعکس کند و اجازه ندهد مدافعان اسلام اموی، چهره تاریخ را مشوه سازند.

## نفر جان دوباره بخشید

مرحوم محمد که در زمان حیاتش با استفاده از علم خود از حقوق موکلین خود فاع می کرد، این بار با اهداء اعضای بدن تحیف خود به همگان نشان داد که چقدر برای حق حیات و زندگانی دیگران ارزش قائل است و خانواده عزیز و مهربان بالاخص پدر بزرگوارش که او نیز وکیل دادگستری و علاوه بر آن روحانی نیز می باشد نشان داد که روحانیت فقط دیگران را شویق و توصیه به نیکی وایثار و خیر و ثواب اخروی نمی کند و خود در این خصوص پیشقدم می باش.

بعد از اهدا اعضا، جنازه این مرحوم با شکوه فراوانی و با شرکت جمع کثیری از طلاب و روحانیون و وکلای دادگستری ، اقوام ، دوستان و همشهریان از مسجد امام حسن عسکری(ع) شهر مقدس قم به سمت حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع و بعد از اقامه نماز میت به امامت حضرت آیت الله بروجردی از علمای حوزه علمیه قم ، ضمن طواف به دور ضریح مقدس برای متبرک شدن به عطر و بوی امام زمان(عج) به مسجد مقدس جمکران نیز انتقال پیدا کرده و در نهایت جهت تدفین به وطن پدری اش یعنی روستای مرزون آباد بابل انتقال یافت که در بابل نیز با شکوه و استقبال فراوان آحاد ملت و علما و روحانیون و... مجددا جنازه تشییع و در گلزار شهدای روستای مرزون آباد بابل به خاک سپرده شد.

عاش سعیدا و مات سعیدا.

خدایش بیامزد و به این نیکی غیرقابل وصف او و خانواده اش پاداشی نیک عنایت فرموده و او را در اعلی علیین با موالیانش ائمه اطهار(ع) محشور نماید. آمین. در پایان از همکاری روابط عمومی بیمارستان سینا در تهیه این مطلب صمیمانه تشکر می کنیم.

نوشته : مهدی میرتبار

منبع: روزنامه مردم سالاری

**نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی**  
**دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی**  
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**  
 سردبیر: **سید محمود خسروشاهی**

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز  
 تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

www.iscq.ir مرکز بررسی‌های اسلامی:

www.khosroshahi.org استاد خسروشاهی:

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

## کتابخانه مصلاهی اعظم تبریز

### ظرفیت نیم میلیون جلد کتاب دارد

مدیرعامل بنیاد مصلاهی تبریز گفت: مخزن کتابخانه مصلاهی اعظم امام خمینی(ره) تبریز ظرفیت ۵۰۰ هزار جلد کتاب را داراست.

حجت الاسلام موسی محمدی، مدیرعامل بنیاد فرهنگی و خیریه مصلاهی اعظم امام خمینی(ره) تبریز در گفت‌وگو با خبرنگاری رسا اظهار داشت: کتابخانه این مصلاهی یکی از بزرگترین مراکز فرهنگی و مطالعاتی منطقه شمال غرب و کشور محسوب می شود که هم اکنون بیش از دو هزار نفر عضو دارد.

وی با بیان این که کتابخانه مصلاهی اعظم تبریز در سایه حمایت های مردم، خیرین، مسؤولان استانی و به ویژه آیت الله مجتهدشیرازی افتتاح و تجهیز شده است، خاطر نشان کرد: این کتابخانه در دو طبقه، ۴ هزار و ۱۰۰ متر وسعت دارد که از این وسعت، ۳۵۰ متر به موزه، ۴۰۰ متر به مخزن کتب عمومی، یک هزار و ۲۰۰ متر به دو مخزن کتب مرجع، اختصاص یافته است.

حجت الاسلام محمدی با اشاره به این که کتابخانه از دو بخش مجزای خواهران و برادران تشکیل شده است و در قرائت خانه ۵۰۰ نفر در طبقه اول و در طبقه دوم یک هزار و ۸۰۰ نفر به طور همزمان می توانند مشغول مطالعه شوند، گفت: این مجموعه علاوه بر اینکه شامل کتابخانه و سالن آمفی تئاتر است دارای واحدهایی نظیر واحد اداری، مهد کودک، سرویس های بهداشتی، حمام نیز است.

مدیرعامل بنیاد فرهنگی و خیریه مصلاهی اعظم امام خمینی(ره) تبریز با بیان این که کتابخانه مصلاهی تبریز در راستای نشر و اشاعه فرهنگ صحیح در جامعه و بسترسازی مناسب برای مطالعه دانش آموختگان و پژوهشگران استان، مورد بهره برداری قرار گرفته است، گفت: ورودی خواهران کتابخانه از طرف خیابان طالقانی و ورودی برادران از طرف خیابان امام خمینی(ره) است.

وی خاطر نشان کرد: کتابخانه مصلا شامل مخازن عمومی و تخصصی، کیس ویژه پژوهشگران، سالن مطالعه عمومی و بخش انفورماتیک است که در این بخش امکان استفاده از تجهیزات نرم افزاری و تحقیق در فضای مجازی سایبری برای پژوهشگران در نظر گرفته شده است.

حجت الاسلام محمدی با بیان اینکه تاکنون اشخاص حقیقی و حقوقی، تعدادی از کتاب های ارزشمند و قابل استفاده خود را به این کتابخانه اهدا کرده اند، گفت: طی روزهای گذشته ۱۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه شخصی مرحوم حجت الاسلام جعفر عابدزاده اندریان به مصلاهی امام خمینی تبریز اهدا شده است.

مدیرعامل بنیاد فرهنگی و خیریه مصلاهی اعظم امام خمینی(ره) تبریز افزود: کتابخانه مصلاهی اعظم تبریز هم اکنون دارای حدود ۲۰ هزار جلد کتاب است که از عموم شهروندان فرهنگ دوست استان که کتب بلااستفاده در کتابخانه شخصی خود دارند، درخواست می شود با اهدای کتاب، در تجهیز این مرکز فرهنگی یاری گر بنیاد مصلاهی تبریز باشند.

گفتنی است، عموم علاقه مندان می توانند با شماره تلفن های ۵۵۶۴۱۴۰ و ۵۵۶۸۲۷۰ برای هرگونه هماهنگی و اهدا کتاب به این کتابخانه با امور فرهنگی مصلاهی اعظم امام خمینی تبریز ارتباط برقرار کنند.

## بیشترین میراث مکتوب علمی شیعه از امام صادق(ع) است



به انگلیسی ترجمه می شود. البته نویسندگان موسسه کتاب شناسی شیعه از کشورهای لبنان، عراق، هندوستان، بحرین و عربستانند. وی در پاسخ به این سوال که «در این موسسه برای ترویج و گسترش آثار ائمه(ع) تاکنون چه اقداماتی صورت گرفته است؟» گفت: برای گسترش این آثار به شکل دقیق، مبسوط، امروزی و مطابق با معیارهای جدید دست به تدوین دانشنامه آثار شیعه زده ایم.

حجت الاسلام والمسلمین مختاری ادامه داد: اکنون این اثر در مرحله مدخل گزینی، تشکیل پرونده علمی و تدوین شیوه نامه است و احتمالا در ۴۰ مجلد به زبان های فارسی و عربی منتشر خواهد شد. البته تدوین و تنظیم برخی بخش های این دانشنامه ممکن است قدری به طول انجامد.

وی گفت: در سالروز شهادت امام صادق(ع) نباید تنها به عزاداری و تعطیلی کارها اکتفا کنیم، بلکه به عنوان پیروان ایشان، ضرورت دارد به سخنان و احادیث امام صادق(ع) عمل کنیم. در حقیقت، نباید فقط شیعه اسمی باشیم، بلکه باید شیعه واقعی و عامل به دستورات آن ها باشیم، متأسفانه عمده مشکلات جامعه ما ناشی از پیروی نکردن از دستورات ائمه(ع) است.

این نویسنده حوزه دین با بیان این که اکنون کتاب «اصول شانزده گانه» از اصحاب امام صادق(ع) به یادگار مانده که تاکنون بارها به چاپ مجدد رسیده است، گفت: در این موسسه کوشیده ایم شخصیت ها و علمای شیعی و آثار مکتوب شیعیان را به جوامع مختلف معرفی کنیم، زیرا برخی آثار شیعیان که از زمان امام علی(ع) تا عصر حاضر به رشته تحریر درآمده اند، در دسترس قرار دارند و باید احیا شوند.

حجت الاسلام والمسلمین مختاری با اشاره به جایگاه والای امام صادق(ع) و آثار فراوان ایشان اظهار کرد: آثار این امام بزرگوار بسیار فراواند اما شاید ما در ترویج و معرفی آن ها کوتاهی کرده ایم. ضرورت دارد این آثار را برای فرهنگ ها و جوامع مختلف تشریح و ترجمه کنیم. وی افزود: بنا به دستور امام موسی بن جعفر(ع) اعمال و رفتار شیعیان و پیروان ایشان باید به گونه ای باشد که مایه سرفرازی امام صادق(ع) باشد، نه باعث سرشکستگی ایشان.

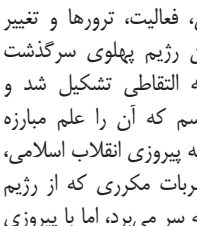
مدیر موسسه کتاب شناسی شیعه قم درباره فعالیت این موسسه توضیح داد: اغلب کتاب های این موسسه به زبان های عربی و فارسی اند. همچنین خلاصه آن ها را

### معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

فصل سوم گنجانده شده است. وی در فصل چهارم از حضورش در مؤسسه کیهان و مدیریتش بر کیهان اندیشه و ارتباط با اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی می گوید. فصل پایانی نیز به آثار و فعالیت های علمی وی در قالب برگزاری کنگره ها اختصاص دارد.

### خوابگردها ارتباط رهبران «سازمان مجاهدین خلق» با نهادهای اطلاعاتی و نظامی عراق ۱۳۵۸-۱۳۸۱

تألیف: دکتر صفاءالدین تبرائیان  
 معرفی کتاب: سازمان مجاهدین خلق قدیمی ترین، شناخته شده ترین و البته خشن ترین اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که در حدود سه دهه علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده است. داستان تأسیس، فعالیت، ترورها و تغییر ایدئولوژی سازمان در دوران رژیم پهلوی سرگذشت گروهی است که با اندیشه التقاطی تشکیل شد و به تدریج به دامن مارکسیسم که آن را علم مبارزه می دانست، فروافتاد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین بر اثر ضربات مکرری که از رژیم خورده بود در حال احتضار به سر می برد، اما با پیروزی انقلاب و آزادی اعضای آن، که هیچ نقشی در حرکت انقلابی مردم ایران نداشتند، سازمان به سرعت شروع به



جمع آوری اسلحه و عضوگیری نمود و منافقانه کوشید خود را به جریان اصیل انقلاب نزدیک سازد. نفوذ در ادارات و سازمان های دولتی خسارت های جبران ناپذیری را به نظام وارد آورد که مهمترین آنها انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیری بود.

اعضای سازمان بعد از پیروزی انقلاب نه مانند مجاهدین اولیه اسلامگرا بودند و نه مثل مجاهدین بعدی مارکسیست، بلکه در موضع التقاط ماندند. پس از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری، مجاهدین به سمت او غلتیدند و پیاده نظام او شدند. با طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس، مبارزه مسلحانه را علیه نظام آغاز کردند و به عملیات های ترور خود در سطح وسیعی دست زدند. بنی صدر پس از عزل به اتفاق رجوی ایران را به مقصد پاریس ترک گفتند و «شورای مقاومت» را تشکیل دادند. رجوی در پاریس با طارق عزیز دیدار کرد که اعتراض اعضای شورا را در پی داشت. به تدریج سایر اعضای شورا نیز از مجاهدین جدا شدند و «فرقه رجویه» تأسیس شد. این فرقه خود را در اختیار دولت عراق قرار داد و در سطوح مختلف اطلاعاتی و نظامی با رژیم بعثی همکاری نمود، به طوری که «ارتش خصوصی صدام» نیز لقب یافت.

مجموعه پیش رو شامل متن پنج گفت و گو و مذاکره رهبران سازمان با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و اسناد و تصاویر کم نظیر تعاملات و همکاری های سازمان با رژیم بعثی است که ماهیت و عملکرد سازمان را روشن می سازد.

## تولید نرم افزارهای پژوهشی اولویت فعالیت مرکز «نور»

معاون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تصریح کرد: فعالیت های مرکز نور، یک فعالیت میان رشته ای در دو حوزه علوم انسانی و اسلامی و زمینه های کامپیوتری و تحقیقات کامپیوتری است. این مرکز تلاش کرده است تا این دو زمینه را که نسبتا با یکدیگر فاصله دارد را به هم پیوند.

وی افزود: مرکز فعالیت های مرکز در دو حوزه علوم اسلامی و علوم کامپیوتری است، در حقیقت محققان دو حوزه محصولاتی را با فعالیت مشترک تولید کرده اند. به واسطه فعالیت میان رشته ای، فعالیت های مرکز یک فعالیت نسبتا منحصر به فردی است چرا که در سایه قرار دادن دانش کامپیوتری توانسته است، رجعتی به متون اسلامی داشته باشد.

به نیافر اظهار کرد: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در دهه سوم فعالیت خود خواهد توانست فعالیت های پردازشی و نسل جدیدی از فعالیت ها را عرضه کند.

کرد: پژوهشگران علوم انسانی و اسلامی که با متون و منابع کار می کنند به نحو مطلوب می توانند نرم افزارهای تولیدی مرکز در امر پژوهش هایشان بهره برداری کنند.

وی بیان کرد: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی دو اولویت را برای فعالیت های خود قرار داده است که می توان به پردازش خط و زبان فارسی و تولید نرم افزارهای پژوهشی با تأکید بر پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اسلامی اشاره کرد.

به نیافر اظهار کرد: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به مناسبت های مختلف، بسته های ویژه را در نظر دارد، برای مثال نورنگ وابسته به مرکز در ماه رمضان و دیگر مناسبت ها، بسته های فرهنگی را آماده عرضه به کاربران کرده است.

وی ادامه داد: نورنگ با محوریت زمینه های تصویری ایرانی - اسلامی در فضای دیجیتال فعالیت می کند که تصاویر زمینه های وبلاگ، پاورپوینت را برای استفاده کاربران با استفاده از عناصر دینی قرار می دهد.

مدیر موسسه کتاب شناسی شیعه قم گفت: از نظر کمیت بیشترین میراث مکتوب علمی، احکام فقهی و احادیث شیعه که اکنون به دست ما رسیده، از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) است. در حقیقت، نقش ایشان در مذهب شیعه به گونه ای است که آن را با عنوان مذهب جعفری، برگرفته از کنیه امام صادق(ع) می شناسند.

حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری به مناسبت سالروز شهادت ششمین امام شیعیان عنوان کرد: در دورانی که سایر ائمه(ع) می زیستند، به دلیل اختناق حاکم بر اجتماع و فراهم نبودن امکانات دسترسی آسان شیعیان به جانشینان رسول الله(ص)، دانش ائمه(ع) به افراد انتقال نیافت اما در دوران امامت امامان باقر(ع) و صادق(ع) شرایط اجتماعی قدری زمینه بروز این علوم را مهیا ساخت. بنابراین، اصحاب امام صادق(ع) احادیث و سخنان ایشان را در کتاب ها و رساله های مختلف روایت و گردآوری کردند.

وی ادامه داد: کتاب های «فهرست شیخ طوسی» و «رجال نجاشی» آثاری اند که عمده کتاب های اصحاب امامان در قرن پنجم و ششم هجری قمری در آن ها معرفی شده اند. این دو کتاب تا مدت ها وجود داشتند اما با آمدن آثار مرحوم شیخ کلینی، طوسی و صدوق به تدریج به فراموشی سپرده شدند.

### در کشاکش سیاست و فرهنگ (خاطرات محمджواد صاحبی)



تدوین: حجت الله علیمحمدی  
 تاریخ انتشار: مرداد ۱۳۹۲  
 معرفی کتاب: ثبت و ضبط اسناد، مدارک و خاطرات افراد و گروه هایی که انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساندند و در تثبیت و استمرار آن کوشیدند، حائز اهمیت فراوانی است. مرکز اسناد

انقلاب اسلامی با درک صحیح این اهمیت و با هدف تبیین و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، به جمع آوری و تدوین خاطرات و اسناد بسیاری از مبارزان و خادمان انقلاب اقدام کرده است.

آقای محمджواد صاحبی از مبارزان جوان قبل از انقلاب است که در حوادث پیش و پس از آن، نقش ویژه ای ایفا نموده است. آنچه پیش رو دارید مجموعه خاطرات ایشان است که در پنج فصل به خوانندگان ارائه می شود:

فصل اول به زندگی نامه، خانواده و تحصیلات راوی اختصاص دارد. در فصل دوم با عنوان «درباره ی قبل از پیروزی» از وقایع و حوادث و شخصیت ها در پیش از انقلاب سخن به میان آمده است. وقایع مربوط به پیروزی انقلاب و فعالیت های آموزشی، فرهنگی و انتشاراتی راوی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در

معاون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی(نور) گفت: این مرکز با ورود تخصصی به دانش دیجیتال و رجعتی به متون اسلامی توانسته تولیدات خود را با اولویت پژوهشی وارد بازار نشر کند.

مهدی به نیافر، معاون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در گفت و گو با (ایکنا) با اشاره به برنامه های این مرکز اظهار کرد: بخشی از فعالیت های مرکز به تولید نرم افزارهای پژوهشی برای دسترسی راحت پژوهشگران علوم انسانی و اسلامی به موضوعات دارد. برای مثال نرم افزار «پژوهیار» را برای پژوهشگران تولید کردیم.

وی با اشاره به نرم افزار پژوهیار افزود: پژوهیار، اولین نرم افزار مدیریت استناددهی فارسی زبان است که پژوهشگران را در امر پژوهش یاری می کند. متخصصان حوزه های علوم مختلف می توانند به کمک این نرم افزار به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منابع مورد نیاز خود را جستجو، ذخیره و سازماندهی کنند و به آن ها استناد دهند. معاون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تصریح